

ماهیانه مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

استوار باد وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران

پنجسال از وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران میگذرد

آمریکائی و انگلیسی در امور داخلی ایران شدت یافت. ترور پلیسی، فشار ژاندارم، هجوم دستجات مسلح خانها و فئودالها، بتجاهیه های دهقانی، اتحادیه های کارگری و سازمانهای حزب توده ایران سراسر ایران را فرا گرفت. هجوم ارتجاع در آذربایجان شدت خاصی کسب کرد. همه میدانند که ایران کشوری است کثیرالملله. و مردم آذربایجان خصوصیات ملی و زبان خاصی دارند و هیئت حاکمه و ارتجاع ایران حتی وجود ملت آذربایجان و دیگر خلقهای ایران و زبان این خلقهارا نفی میکنند. در زمان دیکتاتوری رضا شاه که ترویج افکار شوینستی اوج گرفته بود بکار بردن زبان فارسی در ادارات دولتی و در محاکم اجباری کشت بدین ترتیب خلق آذربایجان مانند سایر خلقهای غیر فارسی زبان ایران از ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک یعنی حق استفاده از زبان مادری محروم بود. ستم ملی در آذربایجان و کردستان مسئله زبان محدود نمیشود. از لحاظ رشد اقتصادی نیز آذربایجان در مقایسه با استانهای تهران، مازندران، اصفهان و غیره در وضع نابرابر قرار داشت. آذربایجان که یکی از ایالت های شکوفان ایران بود در سالهای دیکتاتوری رضا شاه چه از لحاظ اقتصادی و چه از حیث عمران و آبادی رو بانحطاط رفت. در نتیجه چنین سیاست تبعیض آمیزی که هم اکنون نیز ادامه دارد ناحیه زرخیز آذربایجان بیکی از عقب مانده ترین استانهای ایران تبدیل شده است. مهاجرت اجباری هزاران کارگر و دهقان بقیه در صفحه ۴

همانطوریکه در مقدمه برنامه حزب توده ایران مصوب کنفرانس وحدت ذکر شده است: در سالهای جنگ دوم جهانی و پس از آن جنبش رهائی بخش ملی و دموکراتیک مردم ایران نیرو و دامنه عظیم یافت. حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ تشکیل گردید و بر رأس جنبش وسیع مردم ایران قرار گرفت. در سالهای ۲۵-۱۳۲۴ جنبش ملی و دموکراتیک در آذربایجان و کردستان دامنه وسیعی یافت و در این مناطق حزب دموکرات آذربایجان و حزب دموکرات کردستان بوجود آمدند و بمبارزه قهرمانانه ای برای مصالح خلق دست زدند.

در این جملات کوتاه شرایط تشکیل حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان ذکر شده. در عین حال رابطه نزدیکی که میان تشکیل حزب توده ایران و جنبش رهائی بخش ملی و دموکراتیک همه خلقهای ایران از طرفی و رابطه نزدیکی که بین تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان و فرقه دموکرات کردستان با جنبش ملی و دموکراتیک خلقهای آذربایجان و کردستان وجود دارد تصریح گردیده است. معذک بی مناسبت نیست که انگیزه های عمده این جنبش ولو بطور اختصار یاد آوری شود.

دو اثر شکست آلمان هیتلری و ژان امپریالیستی و پیروزی اتحاد شوروی در جنگ دوم جهانی همراه با فعالیت سازمانهای دموکراتیک و بویژه حزب توده ایران جنبش دموکراتیک در سراسر ایران بسط و توسعه بیشتری یافت. در عین حال مداخله امپریالیستهای

از کنفرانس وحدت که در تاریخ ۱۱-۱۰ مرداد ۱۳۲۹ با شرکت اعضا پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران و پلنوم کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان تشکیل شد پنجمال میگذرد.

سفر شاه به اتحاد شوروی

شوروی و همه کشورهای سوسیالیستی بمعنی تخفیف جنگ سرد و حفظ صلح در منطقه پراشوب خاورمیانه و تضعیف پایگاههای سیاسی، اقتصادی و نظامی امپریالیسم در ایران است. اگر قبول است که عدم تعادل فاحش در بازار گانی خارجی ایران در نتیجه سیاست امپریالیستی درهای باز، بوجود آمده و موجب غارت منابع ارزی ما، تعطیل صنایع ملی، رکود صادرات و رشکستگی تولید کنندگان و بازرگانان، بیکاری کارگران و بیخانمانی دهقانان گردیده است، در آن صورت بسط روابط بازرگانی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی که قبل از هر چیز موجب رونق صادرات میشود، باینده و پیشانی هر چه پست ایرانی قرار گیرد. اگر صحیح است که امپریالیستهای پیش

در تیر ماه شاه برای مدت ده روز به اتحاد شوروی سفر کرد. سفر شاه به اتحاد شوروی در زمینه کوششی است که برای بهبود مناسبات ایران و شوروی انجام میگردد و به همین جهت مورد توجه خاص موافقان و مخالفان بهبود روابط ایران و شوروی قرار گرفته است. موافقان در انتظار و علاقمندند که این سفر به بهبود واقعی مناسبات ایران و شوروی و به تعمیم آن در عمل منجر گردد. مخالفان دعوت دولت شوروی را از شاه محکوم میکنند و منطقاً باینده خوشحال شوند اگر این سفر و اقداماتی نظیر آن به بهبود مناسبات ایران و شوروی کمک نکنند.

مناسبات ایران و شوروی یکی از مسائل مورد بحث در محافل اجتماعی ایران است. بهبود این مناسبات از دو جانب مورد انتقاد قرار میگردد: از یک سو عناصری در بین نیروهای ملی هستند که میگویند چون رژیم شاه ضد ملی و ضد دموکراتیک است و بهبود مناسبات ایران و شوروی هم کمک به تحکیم رژیم شاه است، بنابراین باید با آن مخالفت کرد. ما در این تفسیر کوتاه قصد تحلیل تفصیلی این مسئله را نداریم. در گذشته بتفصیل نظریات ما در این زمینه در روزنامه مردم و مجله دنیا تشریح گردیده و در شماره اول سال ششم مجله دنیا نیز بار دیگر بتفصیل در این باره بحث شده است.

برنامه های اقتصادی ایران در چه شرایطی کامیاب خواهند شد؟

ضروری میان بخشها و رشته های تولیدی موافق هدفهای معین اجتماعی قبلاً بمعنی علمی گامه بیش بینی شده باشد. برنامه ریزی عبارت است از تعیین آگاهانه و علمی این تناسب و آهنکها برای مدت معین از رشد اقتصادی ملی در مقیاس تمام کشور. لذا میان برنامه ریزی بمعنی علمی آن و تنظیم پروژه های منظور ساختمان چند واحد صنعتی و کشاورزی و غیره و بیش بینی سرمایه های ضروری برای آن باید تفاوت قائل شد. بعلاوه تنظیم بقیه در صفحه ۵

اجرا گذارد. و حال آنکه ماهیت رژیم موجود و سیاست اقتصادی آن طور است که برنامه ریزی علمی و اجرایی آنرا در ایران غیر ممکن میسازد.

واقیات عمده شکست برنامه ها بپرزیم تذکر و توضیح چند نکته درباره رشد اقتصادی مبتنی بر برنامه و نیز مفهوم علمی برنامه ریزی ضروریست. رشد اقتصادی زمانی طبق برنامه انجام میگردد که آهنک رشد اقتصاد کشور و نیز تناسب

هفته سال است که چرخهای اقتصاد ایران باصطلاح بر محور برنامه میگردد. حالا پس از هفده سال تجربه تلخ، دیگر کسی نیست که از سرنوشت این برنامه ها و نتایج آنهمه هیاهو در پیرامون این برنامه ها آگاه نباشد. بحرارت اقتصادی و مالی سال های اخیر و کاهش آهنک رشد تا ۲۲ در صد در سال از کاس و آبسین دم های محضرتانه نخستین دوران برنامه ریزی ایران بود. مستدل نبودن برنامه ها، سوء استفاده مقامات و سازمانها، نبودن آمار واقعی و غیره عواملی هستند که معمولاً علل شکست برنامه های ایران شناخته شده اند. اگر چه این عوامل در شکست برنامه های ایران تأثیر قابل ملاحظه ای داشته اند ولی جنبشجویی علل عمده شکست برنامه ها در این قبیل عوامل اشتباه بوده و چنین تصویری بوجود میآورد که گویا با بر طرف ساختن این نقائص میتوان برنامه هایی مستدل و علمی در ایران تنظیم نموده و بمرحله

ولی تأکید این نکته لازم است که اساس اشتباه این عناصر از آنجا ناشی میشود که اولاً روابط دولتی را - که بر پایه همزیستی مسالمت آمیز نظامهای اجتماعی گوناگون قرار دارد - با مبارزه طبقاتی در داخل کشور یکی میکنند. ثانیاً خود محتوی سیاست همزیستی مسالمت آمیز را بپدرستی درک نمیکنند. نیرو های دموکراتیک و مترقی میهن ما، که هم مصالح غایبه ملت ایران و هم هدفهای اردوگاه صلح و دمکراسی را، که با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند، در نظر میگیرند، معتقدند که بهبود مناسبات ایران با اتحاد

برخی جوانب و عواقب وابستگی نظامی و سیاسی ایران

به بلوک بندی نظامی تجاوز کار امپریالیستی

دو موضع حاضر بحفظ تاج و تخت او درقبال جنبش مردم خواهند بود داوطلبانه باستقبال آنان شتافت و با تمام قوا با اجرای این نقشه کمک کرد.

امپریالیستها و بویژه امپریالیستهای امریکا تسلط خود را بر شئون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی میهن ما بوسیله دو اهرم اساسی حفظ میکنند: ۱- قبضه کردن منابع عظیم نفت در دست خود و ۲- نگاهداشتن

۱۳ ماه پس از کودتا در روز ۲۸ شهریور ۱۳۳۳ متن نهائی قرارداد غارتگرانه با کنسرسیوم نفت توسط علی امینی، وزیر دارائی کابینه زاهدی باهضاه رسید و ثروت عظیم نفت ما به انحصارات نفتی تسلیم شد. همزمان با امضای این قرارداد تدارک برای کشاندن ایران به سیستم بلوک های تجاوزکار نظامی امپریالیستی آغاز شد. شرکت ایران در پیمان بغداد نخستین گام اساسی در این راه بود.

ایران در سیستم بلوک بندی نظامی تجاوزکارانه خود. شاه که هیچگونه پایگاه وسیع مطمئنی در جامعه ما ندارد از همان نخستین روز های پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد با درک نقشه اربابان امپریالیستی در این زمینه و با توجه باین امر که آنها فقط در صورت تصرف این

مسئله آلمان - یک مسئله غامض بین المللی

دولت ایران باید جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت بشناسد

چیزی نبود. بعد از جنگ کشور آلمان که تحت اشغال نیرو های ملل متفق در آمده بود، سرنوشت تازه ای پیدا کرد. در بخش شرقی این کشور که ارتش شوروی در آن مستقر بود، احزاب مترقی و ضد امپریالیستی جنبه متحدی بوجود آوردند و تصمیم گرفتند بقیای فاشیسم و امپریالیسم را از آلمان ریشه کن کنند و یک کشور مترقی، صلح دوست و آزادیخواه را بنیان نهند. در بخش دیگر آلمان که ارتش امریکا، انگلستان و فرانسه مستقر بودند، جریان بطور کلی صورت دیگر داشت. در این بخش نه تنها فاشیسم ریشه کن نشد، بلکه نزدیکترین همکاران و دستیاران هیتلر بنیاد ارتش و اختفا بیرون خریدند و با ایجاد جمهوری فدرال آلمان همان سیاست قدیم را باشکال وزیر شعار های تازه ای ادامه دادند.

مسئله آلمان بیشک یکی از غامض ترین مسائل بین المللی است و تا وقتیکه این مسئله بطور نهائی حل نشود، در قلب اروپا آتشفشان خاموشی وجود خواهد داشت که فوران آن هر لحظه ممکن است نه تنها صلح اروپا، بلکه صلح جهانی را مورد مخاطره جلی قرار دهد.

فاشیسم آلمان در جریان جنگ دوم جهانی بیش از پنجاه میلیون نفوس بشری را بظنک و خورف کشید، دهها کشور و هزارها شهر و دهکده را ویران کرد. در جریان جنگی که فاشیسم آلمان آغاز کرده بود، کشور آلمان بنوبه خود ضدمات مهلک دید. بزرگترین مراکز تمدن و صنعت این کشور نابود شد. میلیونها مردم آن از پای درآمدند. میراث فاشیسم برای ملت آلمان جز شکست، سرافکنندگی و خواری

مطالب دیگر این شماره:

رویداد ها و تفسیر ها	صفحه ۸
اخباری از ایران	صفحه ۲
تقویم مردم	صفحه ۸

بقیه در صفحه ۶

اخباری از ایران

۱ - شهریور ماه سال ۱۳۴۳ برای خانواده فرومند ماه پرمیمی بود. پدر خانواده حاج میرزا حسین فرومند کتابفروش تازه فوت شده بود. روز یکشنبه هشتم شهریور سازمان امنیت جنازه جوان این خانواده را از زندان تحویل آنان داد. وی پسر پسر فرومند نام داشت. پرویز فرومند پس از کودتای ۲۸ مرداد با یک دوست خود به اتحاد شوروی رفته بود و در آنجا تحصیل کرد. از دواج نمود. خانواده‌ای تشکیل داد. پس از پایان تحصیل با گذرنامه‌ای که از سفارت ایران گرفته بود با بران بازگشت ولی مأمورین سازمان امنیت در نواحی مرزی او را بازداشت کردند روز هفتم شهریور ماه فرومند در نتیجه شکنجه طولانی و موش و ترکدشت و هشتم جنازه اش را تحویل دادند. جنازه فرومند از لحاظ صدمات موحشی که دیده بود قابل غسل دادن نبود و بدین مناسبت مراسم دفن شهریور خانواده فرومند خواستند در روزنامه کیهان مجلس ترجمه او را اعلام کنند. سازمان امنیت مانع شد تا پس از گرفتن تعهدات معین اجازه دادند روز ۱۸ مهر در مسجد اراک از هفت تا ده بعد از ظهر مجلس یاد بود او برگزار گردد. اعلام مجلس ترجمه سرانجام در روزنامه کیهان شماره ۱۳۲۸ درج گردید. از خانواده فرومند تعهد گرفته شد که در باره کیفیت مرگ فرزندان سخنی نگویند. روضه خوانی که در مجلس ترجمه ایراد و عطف نمود از طرف سازمان امنیت معرفی شده بود.

۲ - در فروردین ماه ۱۳۴۴ احمد آرامش (شوهر خواهر مهندس شریف امامی رئیس مجلس سنا) اعلامیه ای داد که در آن خیانتها و جنایت‌های رژیم استبدادی شاه را بر ملا ساخت و ضرورت استقرار جمهوری را تصریح کرد. آرامش در عین حال نامه سرگشاده‌ای در دست صحنه خطاب به جانسن رئیس جمهوری آمریکا نگاشت. همانطور که آرامش بدستی در اعلامیه خود پیش بینی کرد مأمورین غلاظ و شداد سازمان امنیت او را بازداشت کردند و اکنون در زندان قصر زندانی است. پس از زندانی شدن احمد آرامش کمیته جمهوریخواهان، طرفدار او نیز اعلامیه‌ای مانند اعلامیه آرامش منتشر ساختند. برخی از روزنامه‌های وابسته به رژیم از آنجمله روزنامه «مهر ایران» مأمور پاسخگویی و دشنام دادن به آرامش شدند.

۳ - آقای شیخ مصطفی رهنما از روحانیون

مترقی است که جزوات و مقالات چندی با افکار باز و آزادخواهانه منتشر کرده است. شیخ مصطفی در اوایل اردیبهشت ماه سال جاری اعلامیه‌ای راجع به فلسطین چاپ کرد و در آن بشاه و سیاست او در مورد فلسطین و فلسطین و اسرائیل حمله کرد. شیخ مصطفی رهنما توقیف شد و اینک در بازداشتگاه قزل قلعه است و در محاکم در بسته محاکمه میشود. بخواننده شیخ حق ملاقات با وی را نداده اند.

۴ - دکتر بیتا همان کسی که پس از کودتا در دوران نخست وزیری شهید زاهدی ساعتها در مجلس به ملی کردن صنایع نفت تاخته بود، اکنون معاون دانشسرای عالی است. دکتر بیتا دانشسرا را به لایحه سازمان امنیت مبدل کرده است و استادان و دانشیارانی را که از تملق بشاه و توصیف «انقلاب شاهانه» در سر کلاس خودداری ورزند سازمان امنیت معرفی مینماید. استادان و دانشیارانی که مورد حملات دکتر بیتا قرار میگرفتند غالباً مورد توجه و علاقه تا مه دانشجویانند. دانشگاه و دانشسرا به برکت وجود ایادی مستقیم تراب و سازمان امنیت از قبیل صالح‌ها

بقیه از صفحه ۱

سفر شاه به اتحاد شوروی

از چهل سال است که با احداث کارخانه ذوب آهن در ایران مخالفت میکنند. آنوقت در قبول پیشنهاد اتحاد شوروی برای ایجاد این کارخانه و همچنین سایر کمکهای فنی برای صنعتی کردن ایران تردیدی نباید کرد. اگر درست است که امپریالیستها با تمام قوا میگویند که ایران را همچنان در زنجیر پیمان های اسارت آور نظامی نگاهدارند؛ آنوقت هرگونه کوششی که در جهت خروج ایران از این پیمانها و یا حتی سست کردن آنها انجام گیرد باید مورد تأیید میهن پرستان ایرانی باشد.

بهبود مناسبات ایران با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را بیاورد نتیجه مبارزات طولانی ملت ایران، تغییر تناسب نیروها در صحنه جهانی بنفع صلح، دموکراسی و سوسیالیسم دانست و آنرا عقب نشینی رژیم تلقی کرد. اینکه برای جلوگیری از بهبود مناسبات، نیرو قاطبه مردم صلحدوست ایران زمینه را برای کشاندن مین ما به پیمان تجاوز کارانه بغداد فراهم ساخت.

روز ۱۹ مهر ۱۳۳۴ حسین علا تصمیم دولت را بالحاق به پیمان بغداد اعلام کرد و از این تاریخ شرکت رسمی ایران در بلوک بندیهای نظامی امپریالیستی آغاز شد. با آنکه امریکا بطور رسمی عضویت خود را در این پیمان تأیید نکرد ولی عملاً هم در تشکیل آن نقش درجه اول داشته است. علت امتناع امریکا از اعلام رسمی شرکت خود در این پیمان - سوء شهرت پیمان بغداد در کشورهای عربی و در هندوستان بود که امپریالیسم امریکا همیشه در مورد آنها نقشه‌ها و سیاستی مجزا از امپریالیسم انگلیس داشته و دارد.

انقلاب عراق امید های رژیم شاه را در مورد پیمان بغداد به یأس بدل کرد.

پیمان سنتو

با آنکه بانیان اصلی پیمان بغداد از یکسو و رژیم شاه تبعیت از آنان از سوی دیگر برای توجیه شرکت در این پیمان تجاوز کار بوجود باصطلاح «خطر تجاوز کمونیستی» و بخصوص بخطر موهوم تجاوز

۶ - اخیراً یکی از مستشاران امریکایی بنام لئولین هنگامیکه با سرعت غیر مجاز ماشین میراند یک زن ایرانی را زیر گرفت. زن فوت میکند. پاسپان فلین را بازداشت میکنند. برکه، کنسول امریکا در تهران پس از اطلاع از واقعه به کلانتری میروند تا برای استخلاص فلین اقدام کند. ولی کلانتری جواب رد میدهد.

سفارت امریکا رایزن سفارت بنام روکول را بوزارت خارجه ایران میفرستد. رایزن بامیرفندرسکی صحبت میکند و سپس نامه‌ای بدادستانی نوشته میشود و فلین با ضمانت میرفندرسکی آزاد میشود.

بدبختترین یار دیگر مستشاران امریکایی در مینت ما جنایتی مرتکب شده و میکوشند بکمک چاکرانی که در دستکاه دولت ایران دارند آنها از افکار عمومی مردم ایران پوشیده نگاهدارند و مانع آن شوند که تبهکار امریکایی بکیفر جنایت خود برسد.

در عین حال سفارت امریکا کوشیده است تا بادان مبلغ ناچیزی به اقوام مقبول و قوع این قتل را مسکوت بگذارد.

قابل ملاحظه روابط بازرگانی و اقتصادی و توسعه روابط فرهنگی بین دو کشور نام برد.

بنظر ما قبول چنین اصولی از جانب زمامداران ایران و پذیرفتن تعهدی در این زمینهها بخودی خود مورد تأیید میهن پرستان ایرانی است. مهمتر اینکه ملت ایران و همه نیروهای مبارز و ملی باید با بیکار مداوم و مؤثر خود رژیم کنونی را وارند که گامهای عملی و جدی در زمینه‌های فوق بردارد. نباید گذاشت رژیمی که علیرغم میل خود و بنا آکراه و قهر راتر فشار داخلی و تغییر تناسب نیروها در صحنه بین‌المللی بعقب نشینی مجبور میشود در مرحله جرف و یا در نتیجه راه باقی بماند. سر نوشت مبارزه در راه بهبود مناسبات ایران و شوروی هم مانند هر مبارزه دیگری وابسته بقاطعیت، بیگیری و نیرومندی نیروهای دموکراتیک چه در ایران و چه در صحنه جهانی است.

آیا مبارزه در راه بهبود مناسبات ایران با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بمعنی تخفیف مبارزه بر ضد رژیم شاه است؟ در این زمینه سخن زیادی لازم نیست. سیاست حزب توده ایران و فعالیت سازمانها و ارگانهای تبلیغاتی آن بهترین گواه آنست که ما در همانحال که با بیگیری از بهبود مناسبات دفاع کرده ایم و خواهیم کرد، لحظه ای از

بقیه در صفحه ۳

از جانب همسایه بزرگ صلحدوست ما اتحاد شوروی استناد میکردند و این پیمان را سدی برای جلوگیری از «تجاوز شوروی» و «سیری برای حفظ استقلال» کشورهای عضو و نامود مساختند ولی هر یک از آنها در باطن نیات دیگری را تعقیب میکرد. امپریالیسم امریکا و انگلیس با استفاده از وحشت رژیم شاه از جنبش نیروهای ملی و مترقی کشور علاوه بر مقاصد دیگری که در زمینه اقتصادی داشتند میکوشیدند ایران را به پایگاه تجاوز علیه کشورهای اردو گاه سوسیالیستی بدل کنند. رژیم شاهم صرفنظر از مقاصد، اگر خود باین بندار واهی دل خوش کرده بود که گویا وجود پیمانهای نظیر پیمان بغداد رژیم متزلزل او را در قبال امواج جنبش نجاتبخش نیروهای ملی و مترقی محفوظ خواهد داشت. ولی این امیدها بزودی به یأس مبدل شد. انقلاب ژوئیه سال ۱۹۵۸ عراق نشان داد که شرکت در پیمان بغداد هم تضمین برای حفظ یک رژیم ضد ملی بوجود نیامورد.

عراق پس از انقلاب در ۲۴ مارس ۱۹۵۹ رسماً از پیمان بغداد خارج شد و با خروج آنکشور دیرخانه پیمان که تا آنزمان در بغداد بود بانکارا منتقل گردید و پیمان نیز از آن پس پیمان سنتو یعنی «سازمان پیمان

سفر شاه به اتحاد شوروی

مبارزه بی‌امان خود بر ضد رژیم شاه نکسته‌ایم. اتفاقاً ایراد دیگری که از سوی دیگرری وارد میشود در همین زمینه است. و اینستگان بمحافل حاکمه ایران در این اواخر مرتباً انتقاد و اعتراض میکنند که این چه هنرستی مسالمت آمیزی است، این چگونه کوششی در راه بهبود روابط ایران با کشور های سوسیالیستی است که مثلا رادیوی بیک ایران دائماً بر رژیم کثونی ایران حمله میکند؟ این آقایان هم نمیفهمند و یا نمیخواهند بفهمند که نیرو های ملی و دمکراتیک ایران رژیم کثونی ایران را رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک میشناسند و مبارزه خود را بر ضد این رژیم تاسف‌ناظر یک حکومت ملی و دمکراتیک ادامه خواهند داد. این آقایان باید بدانند که مبارزه نیرو های دمکراتیک برای بهبود و بسط روابط ایران با کشورهای سوسیالیستی جزئی از مبارزه عمومی آنها در راه خواسته های دمکراتیک مردم ایران است و آنها در این مبارزه بنیامین رژیم شاه را از یاد میبرند و نه هدف اصلی خود را. بهمین جهت بود که ایرانیان مقیم کشورهای سوسیالیستی حتی از فرصت مسافرت شاه به اتحاد شوروی هم استفاده کردند و خواسته های دمکراتیک خود را که انعکاس واقعی تمایلات ملت ایران است بگوش مجالس حاکمه ایران و همچنین مقامات رسمی اتحاد شوروی رساندند. ایرانیان مقیم اتحاد شوروی (از جمله در آذربایجان شوروی بنامندگی: «هازار نفر و همچنین در دوشنبه و مسکو») بلغارستان، رومانی، مجارستان، چکسلواکی، جمهوری دمکراتیک آلمان و لهستان طی تظاهراتی که وسیله مسافرت ایران به شاه، نخست وزیر، رئیس مجلس شورایی و رئیس مجلس سنا مخابره کردند و رونوشت آنها برای انستاس میکویان صدر شورای عالی اتحاد شوروی و الکسی کاسیگین رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی ارسال داشتند این خواسته ها را مطرح کردند. نکات اصلی تکرار آنها قرار زیر است:

مردم ایران در قید یک رژیم ضد دمکراتیک و خفه کننده هر گونه آزادی رنج میبرند. سازمان امنیت تسلط جهانی خود را بر همه شئون زندگی برقرار کرده است. صدها نفر زندانی در زندانهای ایران بجرم داشتن عقایدی مخالف عقاید دولت متبندند. شیوه وحشیانه شکنجه های قرون وسطایی کماکان اعمال میگردد. افراد را بخاطر عقاید سیاسی آنها توقیف، نفی بلد و اعدام میکنند.

پنجسال از وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران میگذرد

آذربایجانی که در جستجوی یک لقمه نان به تهران و نقاط دیگر ایران رو میاورند پدیده تصادفی نیست. همه این اوضاع و احوال مردم آذربایجان را بستوه آورده موجب یک جنبش وسیع و مقاومت جدي را فراهم ساخته بود. در چنین وضعی است که فرقه دموکرات آذربایجان که در رأس آن شادروان میرجعفر پیشه‌وری قرار داشت با بر نامه ای که خواسته های آرزو مردم آذربایجان را منعکس میساخت تشکیل شد. و هدفش آن بود که در چارچوب کشور ایران و با مراعات آکید تمامیت ارضی میهن واحد، حقوق حقه ملی آذربایجان را تأمین نماید و به مبارزه حق طلبانه خاق های دیگر ایران کمک کند. قابل توجه است که اگر جنبه طبقاتی حزب توده ایران صریح بود جنبه طبقاتی فرقه دموکرات آذربایجان ضراحتی نداشت و در صفوف آن عناصر آزادیخواه و مترقی همه قشرها و طبقات مردم آذربایجان متشکل شدند فرقه دموکرات آذربایجان در مدت کوتاهی به فرقه توده ای وسیعی تبدیل شد معادلت تردیدی نیست که نقش رهبری در فرقه دموکرات آذربایجان در دست طبقه کارگر بود. دشمنان طبقه کارگر میکوشند ایجاد احزاب

هزاران نفر ایرانی بمناسبت عقاید سیاسی خود و صرفاً بمناسبت عدم موافقت با سیاست دولت ونیون آزادیهای فردی و اجتماعی و مراعات نشدن اصول قانون اساسی در کشور ما مجبور به جلاي وطن شده‌اند. در روز های اخیر طبق حکم جبارانه دادگاه غیر قانونی باز چهار تن دیگر از هوملتان ما در ایران تیرباران شدند، اگر این افراد در دادگاه واقعی و قانونی مورد دادرسی قرار می گرفتند مسلماً حکم دادگاه بجز این بود. این اعدامها جزء آن سلسله اقدامات جبارانه است که رژیم موجود ایران برای مرعوب ساختن مردم و جلوگیری از فعالیت سیاسی آنان میکند. هم اکنون جان عده دیگری از زندانیان سیاسی که در ماههای اخیر توقیف شده‌اند در خطر است. ما باین تاخت و تاز های خلاف قانون و غیر انسانی مقامات حاکمه ایران بسختی اعتراض میکنیم. ما از مقامات حاکمه ایران میخواهیم که:

الف - زندانیان سیاسی آزاد شوند.
ب - بشیوه ترور و تسلط سازمان امنیت و محاکمه در پس در های بسته دادگاههای نظامی خانمه داده شود و این سازمان جهانی منحل گردد.

بقیه در صفحه ۶

ایران و چند حزب دیگر با حزب توده ایران نشانه باز این گرایش است.

حزب توده ایران و اعضای آن نه تنها در زمان اوج نهضت دموکراتیک آذربایجان و کردستان بلکه پس از هجوم ارتجاع که بنهضت امپریالیستیهای امریکا و انگلیس انجام گرفت در مطبوعات خود درمیبینگها، در دادگاهها، زندانها و حتی در پای چوبه اعدام از خواسته های عادلانه مردم آذربایجان و کردستان پشتیبانی کردند.

حزب توده ایران از کمک برادرانه بفرقه دموکرات آذربایجان و فرقه دموکرات کردستان در دوران فعالیت مخفی خویش نیز کوتاهی نکرد و به هسته های مخفی فرقه دموکرات آذربایجان و فرقه دموکرات کردستان کمک کرد تا دامنه فعالیت خود را توسعه بخشند و روزنامه های ارگانهای خود را منتشر کنند. این واقیعی است که در سراسر دوران فعالیت مخفی حزب ما کوچکترین اختلافی بین اعضای حزب توده ایران و اعضای فرقه دموکرات آذربایجان و اعضای فرقه دموکرات کردستان در مبارزه علیه دشمن مشترک بروز نکرد. همه آنها با پیروی از خط مشی واحد برادرانه دوش بدوش هم مبارزه کردند. بدین ترتیب میتوان گفت اگر چه تا ۵ سال پیش وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر صورت رسمی نیافته بود ولی در عمل هماهنگی بین این سازمانها وجود آمده بود.

طبقه کارگر و همه مردم مترقی ایران در راه ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و آباد در شرایط بسیار دشواری مبارزه میکنند. هیئت حاکمه و شاه چهار که در رأس آن قرار دارد برای اعمال فشار دستگاه نیرومندی وجود آورده است. ارتش، پلیس، ژاندارمری، محاکم در بسته غیرقانونی نظامی، تبعید، زندان، اعدام و کشتار های جمعی وسائل است که امپریالیستها و ارتجاع ایران برای مقابله با نهضت طبقه کارگر و همه میهن پرستان ایران بکار میبرند. در این شرایط ضرورت اتحاد کلیه قشرهای دموکراتیک و میهن پرست انکار ناپذیر است. تأمین وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر که از اصل ضرورت وحدت سازمانی و رهبری حزب طبقه کارگر در کشور کثیرالمله ناشی میگردد گام مهمی است که در این راه برداشته شده است و برای آینده طبقه کارگر و همه مردم ایران اهمیت عظیمی دارد.

حزب از نخستین روز پیدایش این جنبش آنها مورد پشتیبانی قرار داده. در دوران این جنبش است که در قسمتی از خاک ایران خلق توانسته بود قدرت را بدست گیرد، باضلاحات ارضی بپردازد، قانون ۸ ساعت کار با استفاده از حقوق و بیمه های اجتماعی را برای کارگران وضع کند، در راه تحقق تعلیمات ابتدائی و اجباری گام های مؤثری بردارد؛ دانشگاهی تأسیس کند؛ برآبادانی و عمران شهر ها اقدامات جدی بعمل آورد. این پیروزی ها نه تنها مورد پشتیبانی طبقه کارگر و حزب آن بود بلکه توجه کلیه قشر های آزادیخواه و دموکراتیک ایران را بخود جلب نمود. بیجهت نیست که در اثر اوج جنبش در آذربایجان علاوه بر طبقه کارگر ایران خرده بورژوازی شهری و قسمتی از بورژوازی ملی جنبش مردم آذربایجان و کردستان را مقدمه انقلاب ملی و دموکراتیک در سراسر ایران تلقی کردند و بیش از پیش بجزب توده ایران که بیدرتنگ پس از تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان و اعلام بر نامه آن با تمام قوا از آن پشتیبانی کرده بود گرویدند. ائتلاف حزب

بقیه در صفحه ۴

تکمیل شد.

عواقب وخیم شرکت در پیمان های تجاوزکار

شرکت دهساله ایران در پیمان سنتو و سپس در قرار داد دو جانبه نظامی با امریکا برای اقتصاد کشور و حیات اجتماعی و سیاسی و وضع توده زحمتکش ایران عواقب وخیم ببار آورده است. در نتیجه هم پیمانی با بلوکهای امپریالیستی سیاست خارجی ایران نیز بیش از پیش بر پایه تمهیدات ناشی از شرکت در پیمان سنتو و قرارداد نظامی دو جانبه تنظیم میشود. در اثر این هم پیمانی سال سال مبالغ بیشتری برای هزینه های نظامی هنگفت اختصاص داده میشود و این امر علت اساسی کسری هذگفت بودجه های سالیانه ایران و وخامت روز افزون وضع عمومی اقتصاد کشور است. حتی محمد رضا شاه در نطق ۲۸ مرداد خود در سال ۱۳۴۰ مجبور شد اعتراف کند که ایران «۲۸ درصد از بودجه کل مملکتی را خرج ارتش میکند». ولی هزینه های نظامی مستقیم و غیر مستقیم ایران از ۲۸ درصد براتب بیشتر است. از سال ۱۳۳۴ که ایران وارد بلوک نظامی شده تا کنون یعنی طی دهسال بطور متوسط هر سال بیش از ۴۰ درصد

خارج از اتحاد شوروی برای عقد قرارداد دوستی و عدم تعرض میان دو کشور آغاز شد. ولی در بخواه این مانا کرات تا کیهان دولت اقبال مذاکرات را برهم زد و روز ۱۶ اسفند ۱۳۳۷ قرارداد نظامی دو جانبه با امریکا را در آنکارا امضاء کرد. بموجب این قرارداد امریکا حق دارد بنا بقضای دولت ایران در صورت ایش آمد تجاوز مستقیم و یا «تجاوز غیر مستقیم» نیروهای خود را وارد خاک ایران کند. منظور از «تجاوز غیر مستقیم» البته همان اوج جنبش نیروهای ملی و مترقی ایران برای تأمین آزادی و استقلال ملی میهن خویش است.

هدف رژیم شاه از امضای این قرارداد این بود که ایران و آینده آنرا بیش از پیش با مطامع غارتگرانه و سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا پیوند دهد و از این راه تضمین بیشتری برای حفظ خود در قبال جنبش روزافزون خلق بوجود آورد.

سیستم وابستگی نظامی و سیاسی به بلوک بندیهای تجاوزکار امپریالیستی که با ورود ایران به پیمان بغداد آغاز شده بود در اثر توأم شدن پیمان سنتو با «دکترین ایزنهاور» و سپس با انعقاد قرارداد نظامی دو جانبه

خطر موهوم کمونیسم و بطور عمدۀ سر کوب جنبش های روز افزون آزادیبخش ملی در کشورهای عربی و کشورهای دیگر خاور نزدیک و میانه و پشتیبانی از رژیمهای ضدملی برای حفظ مواضع غارتگرانه انحصارات نفتی. رژیم شاه با تأیید این دکترین وابستگی نظامی و سیاسی ایران را با امریکا تشدید کرد و برای امریکا این حق را برسمت شناخت که در هر موقع آنکشور صلاح بداند به بهانه «دفاع» از کشورهای خاور نزدیک و میانه نیروهای خود را وارد خاک آنکشورها کند.

ولی پس از انقلاب عراق نه قبول «دکترین ایزنهاور» و نه وجود ماده سری پیشگفته در قرارداد مربوط به سنتو نتوانست وحشت رژیم شاه را تخفیف دهد. باینجهت محمد رضا شاه درصد برآمد تا توسعه بیش از پیش روابط نظامی و سیاسی خود با امریکا موقعیت خود را مستحکم کند. در زمان نخست وزیری اقبال هذگاهمه که ما کمروزی وزیر جنگ وقت امریکا تهران آمده بود مذاکرات برای عقد قرارداد نظامی دو جانبه میان ایران و امریکا آغاز شد. کمی بعد یعنی در اوایل سال ۱۹۵۹ به پیشنهاد دولت ایران مذاکرات دیگری میان ایران و هیئت نمایندگان دولت شوروی بریاست سمیونوف معاون وزارت امور

مرکزی نامیده شد. علت این وجه تسمیه

موقعیت جغرافیائی سنتو در زنجیر بلوک های نظامی امپریالیستی است که حلقه وسط را در میان بلوکهای ناتو و سنتو تشکیل میدهد. انقلاب عراق وحشت رژیم شاه را از جنبش نیابتبخش خلق شدت داد. بطوریکه میدانیم و مطبوعات خارجی هم بارها نوشته‌اند قرار داد مربوط به تشکیل سنتو حاوی یک ماده سری است که اعضای پیمان را بمبارزه علیه جنبشهای آزادیبخش ملی در خاور میانه و نزدیک موظف میسازد. در پروتکل سری پیوست این قرارداد تصریح شده است که هر کشور عضو پیمان موظف است در شرایط معین خاک خود و فرود گاههای خود را در اختیار سایر کشورهای عضو پیمان بگذارد.

دکترین ایزنهاور و قرارداد دو جانبه با امریکا

قبل از انقلاب عراق، یعنی در ۵ مارس سال ۱۹۵۷ «دکترین ایزنهاور» بدنبال تجاوز امریکا به لبنان - اعلام شده بود. رژیم شاه از زمان نخست وزیری علاء بلافاصله این دکترین را تأیید کرد. هدف این دکترین عبارت بود از: برقراری تسلط بیشتر امریکا بر کشورهای خاور نزدیک و میانه، به بهانه «تحکیم استقلال ملی و دفاع از تمامیت ارضی آنها» در قبال

پنجسال از وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران میگذرد

امپریالیسم و هیئت حاکمه مرتجع ایران دشمن همه خائضهای ایرانند. در چنین شرایطی وجود حزب طبقه کارگر در یک کشور کثیر الملّه مانند ایران، دو حزبی که مارکسیسم - لنینیسم ایدئولوژی مشترک آنها است و اصول سازمانی واحدی دارند، هدف دور و نزدیک آنها یکسان است هیچگونه توجیهی نمیتوانست داشته باشد.

بدین سبب بمنظور اجرای اصل وحدت طبقه کارگر دوسراسر کشور مدتها قبل از تشکیل کنفرانس وحدت برای تأیید وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر در ایران بین حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان تبادل نظر بعمل آمد و جلسه مشاوره ای تشکیل شد. در نخستین جلسه مشاوره نظریات حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان مطرح گردید. در این جلسه زمینه برای بسط کوشش در جهت تأمین وحدت فراهم آمد. افراد معدودی که از نظریات نادرست دفاع میکردند منفرد شدند و بدین ترتیب در دومین جلسه مشاوره که در شهریور ماه ۱۳۳۸ تشکیل شد اصول وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران بتصویب رسید. در این جلسه هیئتهای نمایندگان حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان ضمن تأیید ضرورت اصولی و عملی وجود حزب واحد طبقه کارگر ایران موافقت کردند. که حزب واحد دوسراسر ایران بنام حزب توده ایران ایجاد گردد. کمیته مرکزی حزب توده ایران مرکز واحد کلیه سازمانهای حزب طبقه کارگر در ایران باشد. سازمان حزب توده ایران در آذربایجان یا حفظ نام فرقه دموکرات آذربایجان دارای کمیته مرکزی خود یا حقوق کمیته ایالتی باشد. در عین حال هیئتهای نمایندگان موافقت نمودند که حل مسئله نام و از انجمله اختیار نام حزب کمونیست ایران برای حزب طبقه کارگر ایران بکنگره آینده حزب توده ایران آحاده گردد. در جلسه مشاوره شهریور ماه تشکیل کنفرانس وحدت و تشکیل کمیسیون بنام کمیسیون تدارک وحدت بتصویب رسید. تصمیمات دومین جلسه مشاوره مورد تأیید کامل بلنومهای کمیته مرکزی حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان قرار گرفت. بر اساس این تصمیمات کمیسیون تدارک کنفرانس وحدت تشکیل شد و طرح برنامه و اسامنامه حزب طبقه کارگر ایران و آیین نامه کنفرانس وحدت را تهیه نمود.

پس از تهیه مقدمات لازم کنفرانس وحدت در

برنامه ولو بصورت علمی و مستدل هنوز بمعنی رشد مبتنی بر برنامه اقتصاد یک کشور نیست. زیرا تنظیم برنامه فی نفسه بمعنی امکان اجرای آن نمیشد.

برنامه های ایران هیچوقت یک برنامه کامل و جامعی که بتواند تمام شؤون اقتصادی را در مقیاس تمام کشور در بر گیرد، نبوده و در واقع بیش بینی سرمایه گذارهای معین دولت برای اجرای بعضی پروژه ها بوده است. سیاست رژیم کنونی طوریکه که دولت قادر نیست چنان برنامه هائی تنظیم و بمورد اجرا گذارد که تمام اقتصاد ملی را در بر گیرد. بودجه عادی و عمرانی دولت در حدود ۲۵ - ۳۰ درصد تولید ملی ایرانست و دولت میتواند فقط این قسمت از تولید ملی را بطور مستقیم در حیطه برنامه های خود در آورد. از آنجا که قریب ۶۰ درصد این درآمد صرف نگهداری دستگاههای دولتی و هزینه های نظامی میگردد عملاً در حدود ۱۰ درصد تولید ملی برای سرمایه گذاری و رشد اقتصادی در اختیار دولت باقی میماند. علاوه بر این برنامه های ایران نزدیک به ۶۰ درصد سرمایه گذاری ها صرف راهسازی و ایجاد و توسعه بنادر و فرودگاهها و شهر سازی و غیره و بطور کلی بمصرف ایجاد باصطلاح زیربنا یا انفراساختور میگردند که مستقیماً در تولید هم مادی شرکت ندارد. باین ترتیب دولت برای شرکت مستقیم در امور تولیدی عملاً فقط ۴ درصد تولید ملی را در اختیار دارد که در حدود یک سوم سرمایه گذارهای تولیدی کشور میباشد. یعنی با وجود آنکه ۲۵ - ۳۰ درصد تولید ملی از طرق مختلف بلسنت دولت میرسد، بعلمت سیاست ضد ملی رژیم فقط قسمت ناچیز آن مستقیماً بامور تولیدی تخصیص داده میشود. علاوه سهم دولت در تولید ملی (بدون نفت) شاید از ۸ - ۷ درصد تجاوز نکند. ذکر این نکته نیز ضروریست که دولت با در پیش گرفتن سیاست واگذاری کارخانجات دولتی این نقش تولیدی خود را نیز بتدریج از دست داده و عملاً بمراقبه کاری مبتدل میشود. که با ریسک خود کارخانه هائی احداث کرده و در صورت سود اوز بودن آنها را به سرمایه داران خصوصی واگذار خواهد نمود. باین ترتیب مادامیکه دولت تولید کننده فقط ۷ - ۸ درصد درآمد ملی است و سیاست دولت حتی در جهت کاهش این میزان میباشد و سرمایه گذارهای دولت اکثر از رشته های غیرمولد انجام میگیرد و عملاً بیش از ۹۰ درصد تولید ملی (بدون نفت) بوسیله سرمایه های خصوصی و تولید خرده کالائی درده و شهر انجام میگردد. هیچ برنامه ای ولو مستدل ترین و دقیقترین برنامه ها قادر نخواهد بود

برنامه های اقتصادی ایران در

تناسبات لازم را در میان رشته های تولیدی تعیین نموده و تولید را در مقیاس تمام کشور تحت نظم و نقشه در آورد. در شرایط کنونی بخصوص با تسلط تولید خرده کالائی، اقتصاد ایران تحت تأثیر قوانین اقتصادی جهان سرمایه داری قرار داشته و عدم هماهنگی ها و نوسانات و بحران های خاص نظام سرمایه داری بر آن مسلط خواهد بود. در چنین شرایطی انتظار ایجاد اقتصاد هماهنگ و تأمین آهنگ رشد موزون و پایدار انتظاریست عبت و تمایلی است غیر عملی که با شرایط عینی تولید سرمایه داری منافات دارد. ناهماهنگی در تولید و توزیع و مصرف، ناهنجاری در تناسبات میان بخش ها و رشته های جداگانه تولید ملی و ناموزونی و بی ثباتی در آهنگ رشد تمام اقتصاد ملی از خصائص ذاتی جامعه سرمایه داریست. واقعیات جهان سرمایه داری از بندو پیدایش آن حاکی از این ناهماهنگیها و ناهنجاریها بوده و آمارهای رسمی کشورهای سرمایه داری دلیل انکار ناپذیر این مدعاست. بنا بر این شکست و ناکامی برنامه های ایران از این لحاظ امریست حتمی و سوء استفاده ها و ندانم کاریها و نبودن آمارهای دقیق و عواملی از این قبیل - آنچه که برخی عملاً ناکامی برنامه های ایران را در آن میجویند - عامل عمده در این ناکامیها نبوده و فقط میتوانند ناهماهنگیها و بحرانها را شدید تر و عمیقتر گردانند.

ولی آنچه که ذکر شد دلیل امکانات آن نیست که در کشورهای سرمایه داری دولت ها قادر نیستند که با

سیاست خود تا حدود معینی در اقتصاد کشور تأثیر نمایند. دولتها میتوانند با سیاستهای مالیاتی، گمرکی، وام و اعتبارات و غیره، یعنی بنا استفاده از ابزارهای اقتصادی بطور غیر مستقیم و نیز با سرمایه گذاریهای دولتی بطور مستقیم در جهت و آهنگ رشد اقتصاد کشور بطور مثبت یا منفی تأثیر داشته باشند. هر قدر سهم بیشتری از درآمد ملی در دست دولت متمرکز شود، همانقدر نیز تأثیر دولت در اقتصاد کشور بیشتر خواهد بود. ولی نحوه بدست آمدن درآمدهای دولتی و طرز مصرف آنها تأثیر متفاوت در اقتصاد کشور باقی میگذارد. اگر درآمدهای دولت بطور عمده از طریق مالیاتها و عوارض گمرکی و اینقبیل منابع غیرمولد تأمین

برابر این مبلغ از بودجه خود برای مقاصد نظامی تجاوز کارانه امپریالیستی و تبدیل خاک ایران بیکی از پایگاههای اساسی امریکا در خاور میانه خرج کند.

یکی از عواقب هلاکتبار شرکت ایران در پیمان سنتو و قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا تسلط روز افزون بیش از هزار مستشار نظامی امریکا بر ارتش ایران است. این اتباع بیگانه دانشکده ها و دانشگاههای نظامی و واحدهای مختلف ارتش را کنترل میکنند، ساختمان تأسیسات نظامی و سوق الجیشی تحت نظر و رهبری آنها انجام میگردد و کهکهای نظامی امریکا تحت کنترل آنها بمصرف میرسد. علاوه بر این مستشاران نظامی امریکا واحدهای مخصوصی را برای سرکوب جنبش ملی مردم ایران و مقابله با عملیات احتمالی یارتیزانی تعلیم میدهند. فعالیت اساسی سازمان امنیت شاه نیز در دوران تسلط رژیم موجود توسط مستشاران نظامی امریکا رهبری شده است. رژیم شاه افسران ارتش ایران راموظف کرده است برای پیشرفت کار مستشاران نظامی امریکائی انواع کمکها را بآنها بکنند و هر سند و نقشه و گزارش و آماری را که برای اطلاع از وضع نیروهای مسلح ایران لازم داشته باشند در اختیار آنها بکنارند. با افسران

بودجه کشور بطور مستقیم یا غیر مستقیم صرف مقاصد نظامی شده است. طی این دهسال سالیانه فقط ۶۰ میلیون دلار (باعتراف د کتر امینی) و جمعاً ۶۰۰ میلیون دلار بابت شرکت در پیمان سنتو پرداخت شده است. پچهل درصد مجموع بودجه های دهسال اخیر بصددها میلیارد ریال بالغ میگردد. حتی با حساب محمد رضا شاه هم جمع کل هزینه های نظامی کشور از روز ورود به پیمانهای نظامی تا کنون بیش از ۲۰۰ میلیارد ریال میشود. با قسمتی از این ثروت بزرگ که با اخذ انواع مالیاتهای کمر شکن از قشرهای مختلف مردم زحمتکش بدست میآید یک دولت ملی میتوانست بنیاد مادی و فنی استواری برای صنعتی کردن کشور ایجاد کند. ولی رژیم شاه علاوه بر اینکه این ثروت بزرگ را برباد داده بعلمت شرکت در پیمانهای امپریالیستی مجبور یوده است حتی قسمت اعظم طرحها و پروژه های برنامه هفت ساله دوم و برنامه پنجساله جاری را نیز تابع مقاصد نظامی غیر تولیدی و تعهدات ناشی از شرکت در پیمان سنتو و قرار داد نظامی دو جانبه با امریکا کند. با توجه به بودجه های برنامه هفتساله دوم و برنامه پنجساله سوم که جمعاً به ۲۸۶ میلیارد ریال و بحساب هر ۷۰۰ ریال یک دلار به بیش از ۳ میلیارد

و ۸۰۰ میلیون دلار بالغ میگردد عمق این خیانت ملی آشکار میشود. مبالغ هنگفتی از این بودجه ها بدستور مستشاران نظامی امریکا صرف ساختمان و توسعه فرودگاههای نظامی در تهران، تبریز، مشهد، همدان، کرمانشاه، شیراز، اصفهان، اهواز، دزفول، آبادان، بندر عباس و غیره و نیز احداث جاده های غیر اقتصادی دارای اهمیت سوق الجیشی و ساختمان و تجدید ساختمان بندر خارک، بندر عباس، خرمشهر و شاهپور، بوشهر و غیره شده که بطور عمده از آنها برای مقاصد نظامی نیروهای امریکا و انگلیس استفاده میشود. علاوه بر این برای احداث شبکه مخابراتی سراسری پیمان سنتو، مرگ از ۸۸ ایستگاه تله رله که ۴۵ ایستگاه آن در ایران است میلیونها دلار بمصرف رسیده و میرسد. ساختمان انواع سربازخانه ها و کویهای نظامی در مناطق مختلف کشور هزینه های کمر شکن بر میدارد. این تأسیسات و ساختمانهای نظامی پرخرج در کشوری انجام میگردد که بسیاری از دهات و خیلی از شهرهای آن در مانگا و مدرسه و حتی آب آشامیدنی ندارند. البته امریکا هر سال مبلغی وام و کمک نظامی بلا عوض در اختیار ایران گذاشته ولی در مقابل ایران را مجبور کرده است چندین

امریکائی در قبال افسران ایرانی هم درجه آنها حق ارشدیت داده شده و حقوق هر یک از آنها چندین برابر حقوق هم درجه های ایرانی آنهاست. قانون واگذاری حق مصونیت سیاسی و اقتصادی بمستشاران نظامی امریکائی که در آبانماه سال ۱۳۴۳ بتصویب مجلس رسید خیانت تازه رژیم شاه به حق حاکمیت کشور ما بود. از بی آن ۵ بانک امریکائی اختیار نظامی تازه ای بملغ ۲۰۰ میلیون دلار در اختیار ایران گذاشتند که مهلت آن دهسال و بهره آن ۵ درصد است یعنی پس از دهسال ایران باید در ازا ۲۰۰ میلیون وام دریافتی جمعاً ۳۰۰ میلیون دلار بابت اصل و فرع وام مسترد دارد. این وام که با ضمانت دولت امریکا واگذار میشود طبق اطلاع منتشره در مطبوعات خارجی «برای خرید اسلحه مدرن و از جمله موشکهای دارای برد متوسط» بمصرف خواهد رسید. شرکت در پیمانهای نظامی علاوه بر تحمیل هزینه های کمر شکن فعالیت اقتصادی جامعه ما را بمسیری سوق داده است که نیاز مندیهای نظامی نیروهای امپریالیستی ایجاد میکند. امپریالیستها با در دست داشتن این اهرم نیرومند ضمن غارت منابع نفت و جلوگیری

چه شرایطی کامیاب خواهند شد؟

شود و این درآمد ها در راههای غیر تولیدی مصرف گردد، در این صورت دولت بدون آنکه بتواند رشته های تولیدی را تنظیم نماید و تناسب لازم را میان آنها بوجود آورد، فقط قادر خواهد بود که تأثیر کلی در جهت رشد اقتصادی باقی گذارد. مثلا دولت میتواند با سیاست مالیاتی و اعتبارات و با سانسهای دولتی و غیره رشد رشته های معینی را تسریع و یا رشد رشته های دیگر را کند نماید بدون آنکه بتواند در میان این رشته ها تناسب لازم بوجود آورد (میلناریز به کردن اقتصاد کشور در امان بماند از جنگ و یا ایالات متحده در زمان حاضر و یا تشویق صنایع سبک بزیان صنایع سنگین در ایران - نمونه های اینگونه تأثیر اقتصادی دولت میباشد). ولی اگر درآمد های دولت بطور عمده از طریق مؤسسات تولیدی دولت بدست آید و این درآمدها صرف احداث مؤسسات تولیدی گردد، در این صورت سهم دولت در تولید ملی افزایش یافته و لذا دولت نه تنها خواهد توانست که جهات کلی رشد اقتصاد را تعیین نماید، بلکه قادر خواهد بود بتدریج اقتصاد ملی را تحت برنامه درآورده و تناسب لازم را در میان رشته های مختلف تولیدی آگاهانه تعیین نماید، یعنی هر قدر دولت دخالت خود را در اقتصاد ملی از بدوین سرمایه گذارهای معین در امور تولیدی توسعه دهد و سهم خود را در تولید ملی افزایش دهد، بهمان قدر نیز امکان تأثیر دولت در بخش خصوصی و ارشاد آن و لذا امکان برنامه ریزی در مقیاس تمام کشور بیشتر خواهد بود.

دولت ایران که هم اکنون ۲۵ تا ۳۰ درصد تولید ملی را در دست خود متمرکز کرده است برای تأمین رشد طبق برنامه تمام اقتصاد کشور امکانات بالقوه وسیعی در اختیار دارد. کم رژیم کنونی قادر نیست از این امکانات استفاده نماید.

برای آنکه ایران بتواند آهنگ شرایط و تناسب لازم را بطور علمی پیش بینی نماید و عملاً اقتصاد ملی را طبق برنامه ارشاد نماید، باید شرایط معینی لازم برای اینکار فراهم گردد. تقویت و توسعه بخش دولتی و پایان دادن به پراکندگی بخش خصوصی در ده - دوش شرط ضروری برای برنامه ریزی است.

در شرایط کنونی ایران امپریالیسم و بورژوازی

وابسته بان (اعم از بازرگانان کمپرادور و صاحبان صنایع مختلطه) مانع عمده در تقویت و توسعه بخش دولتی اقتصاد ایران هستند. تسلط اقتصادی امپریالیسم از طریق نفوذ در صنایع نفتی و سایر رشته های تولیدی، تسلط مالی آن از طریق تحمیل وامها و اعتبارات، تسلط نظامی از طریق جلب به بیمانهایی تجار و کار و تحمیل هزینه های سنگین نظامی و تسلط فنی از طریق تحمیل کارشناسان و مشاورین باعث میشود که بخش عظیمی از درآمد ملی ایران بخصوص در آن قسمتی که در دست دولت متمرکز است، بطور مستقیم و غیرمستقیم بجهت انحصار های امپریالیستی سرازیر شده و قدرت مالی دولت تضعیف گردد. بورژوازی وابسته بامپریالیسم نیز علما و وابستگی بازرگانی خارجی کشور از طریق توسعه امکان «صدور کالا» و وابستگی مالی و اقتصادی از طریق توسعه امکان «صدور سرمایه» های بانکی و صنعتی بایران بوده و نقش مهمی در سیاست رژیم کنونی و تشدید نفوذ امپریالیسم در سرنوشت اقتصادی کشور دارند. قطع نفوذ انحصار های خارجی و عمال وابسته آنها امکانات عظیمی برای دولت ایران در امر رشد اقتصاد کشور و بخصوص رشد بخش دولتی بوجود خواهد آورد. با آزاد شدن منابع عظیم در آمد ملی دولت خواهد توانست بخش دولتی را با آهنگ بیسابقه رشد و توسعه داده و وزن دولت را در تولید درآمد ملی بالا ببرد. با تحقق این امر یکی از دو شرط ضروری برای رشد سریع اقتصاد کشور و بکار بستن برنامه های اقتصادی فراهم میگردد.

بدون پایان دادن به پراکندگی بخش خصوصی در ده نیز برنامه ریزی در ایران امکان نخواهد داشت. طبق آمارهای رسمی از ۳۷ تا ۴۴ درصد تولید ملی ایران بوسیله کشاورزی تأمین میگردد. اگر از بخش خدمات که قسمت اعظم آن تولید کننده نعم مالی نیست صرف نظر کنیم، سهم کشاورزی در تولید ملی به بیش از ۵۵ درصد افزایش خواهد یافت. دردهات ایران در حدود ۳ میلیون خانوار زندگی میکنند. یعنی عملاً ۵۵ درصد تولید ملی ایران بوسیله ۳ میلیون واحد بسیار کوچک تولیدی فراهم میگردد. در چنین شرایطی تنظیم برنامه در مقیاس تمام کشور و ارشاد اقتصاد کشاورزی عملاً غیر ممکن است. متحد ساختن کشاورزان در شرکتهای تعاون روستایی، یعنی متمرکز کردن تولید کشاورزی در واحدهای بزرگ از شرایط ضروری برنامه ریزی است. اقدام باصلاح ارضی قاطع و کوتاه کردن دست مالکان از ده اولین گام در این راه است. رفورم نیم بند شاه که منجر بتجزیه طبقاتی و ایجاد قشرهای جدید سرمایه داری در ده خواهد بود

و شرکتهای تعاون روستائی مصنوعی و بی وقتی که اکنون بوجود میآید قادر نیستند که بپراکندگی تولید کشاورزی خاتمه دهند. واگذاری بلاغوش زمین و آب و تمام وسایل کشاورزی بدوستان و بدبیطریق معاف کردن دهقانان از پرداخت بها و یا گریز زمین (اشکال جدید بهره مالکانه) باعث خواهد شد که مبالغ هنگفتی که امروز دهقانان مالکان میپردازند در خود ده متمرکز شده و باینه های اقتصادی و مالی شرکتهای تعاون تقویت گردد و بدوین آنکه نیازی بکمکهای مالی دولت نباشد. اقتصادی متمرکز و نیرومند و متکی بکار جمعی در ده بوجود آید. تولید بزرگ مبتنی بر کار جمعی دهقانان دومین شرط ضروری برای برنامه ریزی میباشد.

با فراهم آمدن این شرایط دولت قادر خواهد بود که نه تنها برنامه های جامعی در مقیاس تمام کشور تنظیم نماید، بلکه این برنامه ها را با موفقیت بجزیره اجرا در آورد.

احیای انحصار بازرگانی خارجی متمرکز کردن امور بانکی و بیمه در دست دولت، کنترل شدید دولت در امر توزیع و بازرگانی داخلی، کمک تولید پیشه وری و ارشاد آن - اقدامات تکمیلی دولت در امر برنامه ریزی بمعنی علمی آن خواهد بود.

در چنین شرایطی بقیه بخش خصوصی صنایع در شهر لطیفه ای با جزئیاتی برنامه های دولتی وارد نخواهد ساخت. زیرا سرمایه داری در ایران مراحل اولیه رشد خود را طی میکند و هنوز به نیروی عمده در تولید ملی بدل نشده است. طبق آمار های موجود محصولات صنعتی در ایران (با تولید نفت) در حدود ۲۰ درصد تولید ملی را تشکیل میدهد. با در نظر گرفتن درآمد نفت و صنایع دولتی سهم سرمایه های خصوصی در صنایع بزرگ چندان قابل ملاحظه نخواهد بود. بنا بر این سیاست دولت نه تنها متوجه محدود ساختن صنایع خصوصی نخواهد شد، بلکه دولت بنا کمک های مسالی و دفاع از منافع صنایع خصوصی در قبال رقابت های انحصار ها شرایط بمراتب مساعد تری برای رشد بخش خصوصی بوجود خواهد آورد. پایان ترتیب با وجود آنکه میزان سرمایه های خصوصی در شرایط مناسبی که دولت در حفظ و تحکیم آنها بکار میبرد، سال بسال بطور مطلق افزایش خواهد یافت، ولی در نتیجه رشد سریعتر بخش دولتی وزن بخش خصوصی در تولید ملی تقلیل یافته و بتدریج به وسعت دامنه و عمق نفوذ برنامه ها افزوده خواهد شد. بنا بر این توسعه و رشد بخش دولتی از طریق قطع نفوذ امپریالیسم و سرمایه داران کمپرادور و ایجاد

مختلف زندگی هر يك از کشورهای خاور میانه برای باثبات اصلی پیمان یعنی مقامات نظامی آمریکا و انگلستان است.

۴ - کمیته اقتصادی: این کمیته بنوبه خود از انواع کمیسیونهای فیرعی ترکیب میشود. هدف اساسی آن اینست که امکانات اقتصادی مختلف کشورهای عضو را بررسی کند و برنامه ها و پروژه هایی را در زمینه اقتصادی کشورهای آسیائی عضو تحمیل کند که در درجه اول با مقاصد نظامی کشورهای امپریالیستی آمریکا و انگلیس مطابقت داشته باشد و بتواند کنترل و تسلط انحصارات امپریالیستی را بر حیات اقتصادی کشورهای عضو تأمین کند و بطور کلی به کمک اهرم سنتو و تعهدات ناشی از شرکت در آن تکامل اقتصادی کشورهای عضو را به مجرائی سوق دهد که با مطامع و مقاصد اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیست ها هماهنگ باشد. برای تأمین همین مقاصد است که مثلاً مدیر عامل سازمان برنامه ایران غالباً در جلسات کمیته اقتصادی شرکت میکند.

۵ - شورای علمی: این شورا به امور فنی و کارهای علمی پیمان رسیدگی میکند.

۶ - مؤسسه علوم اتمی سنتو: وظیفه این مؤسسه تهیه کادر علمی برای سازمانهای

رویدادها و تقسیمها

می کنند. از طرف دیگر متافع دول امپریالیستی را دچار خطر کرده و آنها را نیز به چساره جوشی وادار مینماید.

پالم ذات یکی از رهبران حزب کمونیست انگلستان ضمن اشاره به شکست اینگونه کمک ها می نویسد: «در اثر این عوامل اکنون وارد لفظه ای میرسد که تمام کشتی توسعه و کمک از این قماش بکلی به گل بشیند. زیرا کشورهای نو استقلال در موارد بسیاری هم اکنون به خودداری از قبول طرحهای معنی کمک، پرداخته اند و دلیشان هم اینست که وضع مالی آنها بعد اعلائی دشواری رسیده و دیگر به چساره قادر به گرفتن پول اضافی و نامستند».

رادو پیک ایران

همه روزه در ساعات ۶ و ۸ بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۱۹ - ۲۵ - ۲۶ متر برنامه پخش میکند.

شنیدن مرتب این رادو وظیفه هر فرد حزبی و هر مین برست ایرانی است.

شماره ۳ (۱۵) نشریه «مسائل بین المللی» بزودی از چاپ خارج میشود. این شماره حاوی سلسله مقالاتیست درباره کشورهای خاور نزدیک و از جمله درباره «وضع کنونی و دورنمای آینده ایران». از مقالات جالب دیگر این شماره مقاله ای است درباره «تکامل افکار اقتصادی مارکسیستی خلاق»، مقاله ای «درباره اتحاد کمونیستها و کاتولیکها» و غیره.

اقتصاد متمرکز روستائی از طریق قطع نفوذ ملاکارت شرط اساسی ایجاد اقتصاد مبتنی بر برنامه در ایرانست. رژیم موجود مظهر منافع این عوامل عمده عقب ماندگی اقتصاد ایران است و مبارزه با این رژیم بمعنی مبارزه با نفوذ این عوامل میباشد.

نظامی سنتو در زمینه های کشاورزی، پزشکی و غیره است. مؤسسه مزن بور کلاسهای آموزشی مخصوصی دارد که اتباع کشورهای عضو با توصیه مقامات عالیه سنتو میتوانند در آنها دوره های آموزشی را بگذرانند.

۷ - دبیرخانه دائمی سنتو: کمیته ها و کمیسیونهای سنتو زیر نظر دبیرخانه دائمی هستند. مقر این دبیرخانه پس از انقلاب عراق از بغداد بانکارا انتقال یافت. دبیر کل پیمان سنتو از سال ۱۹۶۲ تا کنون عباسعلی خلعتبری از مأموران مورد اعتماد مقامات کشورهای امپریالیستی است.

وسایل ارتباط و مخابرات پیمان سنتو

۱ - ارتباط زمینی پیمان سنتو با سایر حلقات زنجیر بلو گهای امپریالیستی یعنی بلوک ناتو در آنلانتیک شمالی و بلوک ستو در جنوب خاوری آسیا بطریق زیر تأمین میشود: از طریق راه آهن سراسری ایران که بوسیله قطعه راه آهن تبریز - قطور به ترکیه وصل میشود. این قطعه راه آهن که ساختمان آن برای ایران میلیونها دلار خرج بر میدارد تا سال ۱۹۶۷ خاتمه خواهد یافت. بموجب پروژه پیمان قرار است سپس راه آهن ایران به راه آهن پاکستان وصل شود. در اعلامیه

سومین باری بود که جلسات این شورا در تهران برگزار میگردد.

کمیته های دائمی سنتو عبارتند از:

۱ - کمیته نظامی: این کمیته هر سال يك با دوبر بشرکت رؤسای ستاد فرماندهان کل ارتشهای کشورهای عضو تشکیل جلسه میدهد و در باره برنامه مانورهای هوائی و زمینی و دریائی و سیستم پایگاههای نظامی و چگونگی تسلیحات ارتش های عضو طبق ضوابط ستادهای ارتش آمریکا و انگلیس تصمیمات لازم اتخاذ میکند. مثلاً آخرین جلسه کمیته نظامی سنتو که در فروردین ۱۳۴۴ در لندن تشکیل شد ضمن اعلامیه ای اطلاع داد که «نیروهای نظامی ایران و پاکستان مشابه نیروهای نظامی ناتو خواهند شد».

۲ - کمیته «ضد تخریب»: وظیفه اساسی این کمیته همانطور که در ماده سری و پروتکل پیوست پیمان سنتو تصریح شده مبارزه علیه جنبشهای آزادیبخش ملی در خاور میانه و نزدیک و هماهنگ ساختن اشکال مختلف این مبارزه در هر يك از کشورهای عضو است.

۳ - کمیته روابط: وظیفه این کمیته تبادل انواع اطلاعات میان کشورهای عضو و در واقع تهیه اطلاعات جامعی در باره جوانب

از رشد اقتصاد کشور در راهی که جوابگوی نیازمندیهای واقعی ایران باشد - از بازار داخلی ما بلا مانع استفاده میکنند و با بکار انداختن سرمایه های خود در کلیه رشته های اقتصاد ایران هر سال مبالغ هنگفتی سود بجزگک میآورند و مانع ایجاد صنایع کلیدی و تسریع آهنگ رشد اقتصادی کشور میگرددند.

بطور کلی شرکت در پیمانهای نظامی در زمینه بازرگانی خارجی و صنایع وزندگی توده های مردم و در زمینه های دیگر نیز عواقب بسیار وخیمی ببار آورده که شرح همه آنها در حوصله يك مقال نمیکند.

ترکیب سازمانی پیمان سنتو

پیمان سنتو از ۴ کمیته دائمی و يك شورای علمی و يك مؤسسه علوم اتمی ترکیب میشود. علاوه بر این سنتو دارای ارگان عالیهای است بنام شورای وزیران سنتو.

شورای وزیران سنتو بالاترین مرجع پیمان است که هر سال یکبار و گاه دوبار با شرکت وزیران امور خارجه کشورهای عضو در پایتخت یکی از این کشورها تشکیل جلسه میدهد. در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین سال جاری سیزدهمین دوره اجلاس شورای وزیران سنتو در تهران تشکیل شد و این

وجود دو کشور آلمان يك واقعيت غير قابل انكار است

اکنون در سرزمین قدیم آلمان دو کشور وجود دارد که از لحاظ ساختمان اقتصادی - اجتماعی و دیدگاهی سیاسی ماهیتاً با هم تفاوت دارند. جمهوری دموکراتیک آلمان کشور مستقلی است که در آن از بقایای فاشیسم اثری باقی نیست. در این کشور برای نخستین بار در تاریخ آلمان یک حکومت کارگری - دهقانی بوجود آمده و برای همیشه بحکومت صاحبان صنایع بزرگ یونکرها و سرمایه‌داران پایان داده است. در طول ۱۵ سال جمهوری دموکراتیک آلمان یککامیاب‌هایی بزرگ تاریخی نائل آمده است. امروز جمهوری دموکراتیک آلمان در عداد یکی از ده کشور بزرگ صنعتی جهان است. در جمهوری دموکراتیک آلمان تمام رشته‌های اساسی صنایع بمالکیت مردم درآمده است و تولید و توزیع صنعتی نه بر اساس تأمین حداکثر منافع برای سرمایه‌داران بلکه بمغزور تأمین حداکثر نیازهای مردم عملی میشود. در این کشور یک رژیم رادیکال ارضی به تسلط مالکین برای همیشه پایان داده است. کشاورزی جمهوری دموکراتیک آلمان طی مدت کوتاهی پروسه مدرنیزاسیون و مکانیزاسیون را با سرعت طی کرده است. بطوریکه امروز در اقصی نقاط این کشور ماشینه و ادوات کشاورزی قدیم اثری باقی نیست. در زمینه خارجی جمهوری دموکراتیک آلمان از یک سیاست کاملاً مترقی و صلح‌وستانه پیروی میکند. کوشش بمغزور تأمین صلح جهان بسط مناسبات دوستانه با تمام کشورها و در درجه اول کشور های همسایه، کمک بی‌شائبه به نهضت‌های آزادیبخش ملی و کشورهای جوان نواستقلال در رأس هدف‌های سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک آلمان قرار دارد. جمهوری دموکراتیک آلمان امروز بپیش از صد کشور مناسبات اقتصادی و بازرگانی دارد و بردامنه این مناسبات روز بروز افزوده میشود. در بسیاری از کشور های نواستقلال آسیا، آفریقا و امریکای لاتین امروز کارشناسان و مهندسين جمهوری دموکراتیک آلمان در محیط دوستی و تقاضای متقابل با اجرای نقشه‌های عمرانی و صنعتی مشغولند.

در جمهوری فدرال آلمان جریان عکس صورت دیگری دارد. این همان آلمان ویلهلم و هیتلر است. گردانندگان آن با هملها یا اخلاف ضابط آنها هستند. در جمهوری فدرال آلمان صاحبان صنایع بزرگ و انحصارات سرمایه‌داری حکومت را بدست دارند.

مسئله آلمان يك مسئله غامض بين المللی

دولت ایران باید جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت بشناسد

در این کشور حتی یک رقم را بدیکال بمغزور تغییر ساختمان اقتصادی - اجتماعی کشور بعمل نیامده است. سیاست داخلی جمهوری فدرال آلمان سیاست تجاوز تعرض، دعای ارضی، بدست آوردن بازار فروش تولیدات صنعتی و تأمین مواد خام ملی جمهوری فدرال آلمان دشمن نهضت‌های آزادیبخش ملی و دوست رژیم‌های استبدادی و ضد ملی است. فرانکو، سالازار، چانگ‌کایچک، دژخیمان ویتنام جنوبی و کره جنوبی و افرادی نظیر موسی جومیه دوستان جمهوری فدرال و خلق‌های کشورهای اسیر آسیا، آفریقا و امریکای لاتین دشمنان آن هستند.

حل مسئله آلمان چگونه ممکن است

حل مسئله آلمان فقط یک طریق دارد و آن قبول موجودیت جمهوری دموکراتیک آلمان و عبارات دیگر قبول وجود دو کشور در سرزمین قدیم آلمان است. علاوه بر این باید سرنوشت برلن غربی نیز که در قلب جمهوری دموکراتیک آلمان قرار دارد، بعنوان یک واحد جدا گانه تعیین شود. جمهوری دموکراتیک آلمان قصد تعرض بجمهوری فدرال آلمان ندارد و متقابلاً آماده است که هرگونه نقشه تجاوزکارانه محافل حاکمه آلمان غربی را درهم شکند. جمهوری دموکراتیک آلمان صمیمانه هوادار تجدید وحدت آلمان است. ولو معتقدست که تجدید وحدت فقط در صورتی ممکن است

برلن غربی، قرحه سرطانی اروپا

برلن غربی بمنزله یک قرحه سرطانی در اروپا است. در این شهر بیش از هشتاد سازمان جاسوسی و خرابکاری وجود دارد که شب و روز علیه امنیت جمهوری دموکراتیک آلمان و سایر کشور های سوسیالیستی مشغول فعالیت اند. حوادثی که هر روز در مرز های جمهوری دموکراتیک آلمان بوجود میاید و در مضبوطات غربی با آب و تاب تمام نقل میشود، عموماً محصول فعالیت این سازمانهاست. در برلن غربی قریب ده هزار سرباز امریکائی و چند هزار سرباز

کلیه زندانیان و لغو تعقیب از کلیه متهمین سیاسی بگذرد. چنین است نکات اصلی تلگرافها.

حزب ما بنبوه خود از اقدام ایرانیان مقیم کشور های سوسیالیستی پشتیبانی میکند و خواستههای آنها را مورد تأیید قرار میدهد. تردیدی نیست که ملت ایران و در پیشاپیش آنها حزب توده ایران با توجه بمستولت تاریخی خود مبارزه خویش را در تمام زمینهها هم برای وادار کردن رژیم کزونی بقب نشینی و هم برای استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک، ادامه خواهد داد و سرانجام به پیروزی خواهد رسید.

بقیه از صفحه ۳

سفر شاه باتحاد شوروی

ج - آزادیهای مطرحه در قانون اساسی ایران اکتیفا مراعات کرده و احزاب ملی و دموکراتیک و اتحادیه های واقعی آزادی عمل داشته باشند. د - به مهاجرین ایرانی که برای آنها بسبب افکار سیاسی شان امکان بازگشت بکشور نیست گذرنامه داده شود و مراجعت آنها و امنیت آنها در مین خود تضمین گردد. ه - قانونی از مجلسین دایر به عفو عمومی

انگلیسی و فرانسوی وجود دارند. وظیفه این واحد های نظامی حفظ این سازمانهای تخریب و جاسوسی و تقویت توطئه و تحریک علیه جمهوری دموکراتیک آلمان و سایر کشور های سوسیالیستی است.

دو بخش برلن آئینه تمام نمای دو سیستم اجتماعی - اقتصادی ماهیتاً متفاوتی است که در دو بخش آلمان وجود دارد. البرت فورن، عضو یسولیت بوروی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان در یک مذاکره مطبوعاتی اخیراً گفت: «اکنون سرگرم تهیه برنامه اقتصادی سال ۱۹۶۶ خود هستیم. برای ما وقتی برای توطئه و تحریک وجود ندارد. ولی آماده ایم که هر لحظه توطئه و تحریک کسانی را که وقت خود را صرف آن میکنند درهم بشکنیم.»

در کشورهای سرمایه‌داری غرب تاکنون ما داستانهایی و تراژیک، فراوان در باره دیوار برلن نوشته شده است. ولی دیوار برلن در حقیقت چیزی جز یک حفاظ اجتناب ناپذیر در برابر تحریکات فاشیستی و ملیتاریستی آلمان غربی نیست. اگر این تخریب وجود نداشت، دیوار برلن هم قطعاً بوجود نمیآمد و هرلحظه نیز که خطر این تعرض منتفی شود، بدون زردید از دیوار برلن اثری برجلی نخواهد ماند.

سیاست رژیم شاه درقبال دو کشور آلمان

رژیم شاه بنا بماهیت خود هوا دار آلمان غربی و محافل حاکمه آنست. آلمان غربی امروز بخش بزرگی از بازار ایران را در تصرف دارد. انحصارات آلمان غربی روز بروز دامنه تسلط خود را بر سازمانهای اقتصادی کشور ما بسط میدهند. در همانحال رژیم شاه وجود جمهوری دموکراتیک آلمان را منکرست و تاکنون حتی مناسبات اقتصادی رسمی هم میان دو کشور بوجود نیامده است. بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا با جمهوری دموکراتیک آلمان مناسبات کسولی و اقتصادی رسمی دارند. جمهوری متحده عرب، سوریه، عراق، هندوستان در زمره این کشورها هستند. این روابط بنفع این کشورهاست و بهمین دلیل در حال بسط و تحکیم است.

حزب توده ایران معتقدست که منافع اقتصادی و سیاسی اقتضا دارد که جمهوری دموکراتیک آلمان از طرف دولت ایران برسمیت شناخته شود و مناسبات وسیع اقتصادی و بازرگانی میان دو کشور برقرار گردد. جمهوری دموکراتیک آلمان یک قدرت بزرگ اقتصادی

بقیه در صفحه ۷

شاه بلکه اربابان امیرالیست او هم نمیتوانند برای توجیه بلو کهای نظامی متجاوز کار بوجود خطر «تجاوز» از جانب اتحاد شوروی استناد کنند. از سوی دیگر فرانسه در بلوک ناتو با اعلام امتناع از شرکت در جلسات و در مانورهای ناتو این بلوک تجاوز کار را دچار بحران کرده است. همین دو عامل اساسی یعنی اجبار محافل امیرالیستی به اعتراف در مورد ماهیت صلحدوستانه اتحاد شوروی و نیز وجود تضادهای شدید میان دول امیرالیستی پیمان سنتو را نیز به بحران حاد دچار نموده است. در این اوضاع و احوال پاکستان سرگرم روابط خود با چین و کشمکش با هند بر سر کشمیر است. ترکیه از یکسو نگران اوضاع قبرس است و از سوی دیگر بعثت شرکت در بلوک ناتو عملاً نمیتواند نیروی قابل ملاحظه ای در اختیار سنتو بگذارد. در این میان محمد رضا شاه در پیمان سنتو یک نوع غربت علاج ناپذیر دچار شده است. با این وصف بطوری که سیزدهمین دوره اجلاس شوروی وزیران سنتو نشان داد هم امیرالیستهای امریکا و انگلیس و هم محمد رضا شاه با تمام قوا میکوشند پیمان سنتو را با توسل به شبح موهوم «تهدید

توم لامبرت مخبر روزنامه امریکائی «نیویورک هرالد تریبون» در آستانه تشکیل این دوره اجلاس ضمن تصریح وضع بحرانی پیمان سنتو نوشت: «این پیمان که مؤرد پشتیبانی ایالات متحده است... یکطرفش رفته رفته دارد ترک بر میدارد و طرف دیگرش از هم فرومیباشد.» محمد رضا شاه برای توجیه سیاست خائانه شرکت دادن هر چه بیشتر امیرالیستها در حفظ رژیم ضد ملی خود همواره سعی دارد از گوشه ای خطری متوجه ایران جلوه دهد و ایران را آماج «فعالتهای تخریبی» «از خارج» وانمود سازد. سالهای مدیدی وجود این خطر موهوم را از جانب اتحاد شوروی جلوه گر مساخت. ولی سیر حوادث و اقدامات جهانی اتحاد شوروی این بهانه شاه را برغم وی از دستش خارج کرد و کار استناد باین بهانه برای توجیه شرکت در بلوک بندیهای تجاوز کارانه رفته رفته بابنتال کشید، کاهش تشنج اوضاع جهان که در نتیجه تلاشهای خستگنی ناپذیر اتحاد شوروی انجام گرفت از یکسو و تشدید تضاد های میان دول امیرالیستی از سوی دیگر اصولاً پایههای اساسی مجموعه سیاست امیرالیستی مبتنی بر پیمانهای تجاوز کار ناتو - سنتو و سیتورا متزلزل کرده است زیرا امروز دیگر نه تنها محمدرضا

یک میلیارد ریال از بودجه خود میردازد. اکنون از ۲۰ رشته تلفنی و تلگرافی این شبکه برای برقراری ارتباط میان سه پایتخت استفاده میشود و تا یکسال دیگر تعداد رشته های آن به ۳۰۰ خواهد رسید و بدین طریق ارتباط سنتو با دو بلوک ناتو و سیتو تأمین خواهد شد.

۳ - ارتباط دریائی پیمان سنتو با مراکز دریائی بلو کهای نظامی امیرالیستی بوسیله بندر گاهای ۳ کشور عضو تأمین میگردد. علاوه بر این پایگاههای شناور امریکائی یعنی ناوگان ششم امریکا در مدیترانه و ناوگان هفتم آن در جنوب شرقی آسیا مجهز به زیر دریائیهای حامل موشکهای اتمی از مراکز مهم ارتباط دریائی کشورهای امیرالیستی با کشورهای عضو سنتو هستند. در ایران برای این ارتباط از بندر خارک، بندر عباس، بندر شاهپور، خرمشهر و غیره استفاده میشود.

بحران سنتو: شکست متضدخانه سیاست بی سرانجام شرکت در بلو کهای نظامی امیرالیستی سیزدهمین دوره اجلاس پیمان سنتو که در فروردین سال جاری در تهران تشکیل شد بار دیگر بحران عمیقی را که اکنون پیمان سنتو را فرا گرفته بنوعی بارزی آشکار ساخت.

بمناسبت سالگرد تشکیل حکومت خیابانی در تبریز

سخنان يك انقلابی و متفکر برجسته

شیخ محمد خیابانی، انقلابی، خطیب و متفکر برجسته اجتماعی قیام تبریز را تحت شعار تأمین حکومت ملی و دموکراتیک برای ایران علیه استعمار طلبان و حکومت مرتجع مرکزی برپایی داشت. قیام در شهریورماه ۱۲۹۹ با قتل فوج پیشوای آن سرکوب شد. ولی تکسانی که سخنرانیهای پر شور و پر مغز خیابانی نه فقط در آذربایجان، بلکه در سراسر ایران وجود آورده بود، اثرات خود را تا دیری محفوظ داشت. نطقهای خیابانی در طی قیام مجموعه ای از بیانات حکیمانه و شور انگیز یک انقلابی پاک سرشت بینا و مؤمن به راه و هدف خویش و بخشی از گنجینه زرین آثار تفکر مترقی و انقلابی مردم ماست. ما جملاتی چند از بیانات خیابانی را بمناسبت سالگرد حکومت وی در اینجا نقل میکنیم:

هدف قیام تبریز

قیام تبریز برای تأسیس يك حکومت دموکراتیک و آزادی است... قیام تبریز يك علاقه جوهری با تمام شهرها و نقاط ایران دارد... قیام تبریز مدل خواهد داشت که در ایران يك افکار عمومی و يك اراده ملی وجود دارد.

موطن آزادخواهان

کاوه ها و امثال بزرگ و کوچک کاوه ها از شرق و غرب و شمال و جنوب ایران سر زدند. سراپای ایران موطن مقدس آزادخواهان است.

فرزندان قرن

ما میگوئیم: عدالت، مساوات، آزادی. در يك فراز مختصر و مفید. ما میخواهیم فرزندان قرن خودمان باشیم.

ایران از آن ایرانی است

در مسلک ما ایران مال ایرانیان است. یعنی ایران دموکراتیک مال دموکراسی ایران است.

تجاوز کمونیسم از خطر تلاشی نجات دهند. «تهدید کمونیسم» در این دوره اجلاسهای شورای وزیران سنتو ترجیح بند تمام سخنرانیهای نمایندگان رسمی آن بود. دین راسک در سخنرانی خود گفت: «کشورهای عضو سنتو متقاعد شده اند که تهدید کمونیسم در خاور میانه واقعیت دارد و يك تهدید دامنه دار و مداوم است». راسک افزود که «امام که تهدید تجاوز کمونیستها وجود دارد سیر سازمان سنتولازم است». مایکل استوارت وزیر خارجه انگلیس گفت: «دولت انگلیس سنتو را بهترین عامل برای حفظ ثبات در خاور میانه میداند». (یعنی در واقع برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی انگلستان)، عباسعلی خلعتبری دبیر کل سنتو نیز ضمن تکرار طوطی وار دعاوی اربابان امپریالیست خود در مورد «تهدید فعالیتهای کمونیستی» بی اختصار عقده اش ترکید و برای جلب ترحم حامیان امپریالیستی رژیم شاه زبان به شکایت از برنامه های افشاگرانه رادیوی پیک ایران گشود و گفت: «از این گذشته نمیتوان تبلیغات سوء و دامنه دار فرستنده های رادیوی مخفی کمونیستی را در خود این منطقه نادیده گرفت. تبلیغات مخرب آنان که در ظاهر افکار مترقی و پیشرفته جلوه داده میشود منافع ملی، آزادی و تمامیت

سیر بشریت

سیر عمومی جهان بشریت بجانب آزادی است. هر ملت و جماعتی باید بیاندیشد که در این وضعیت چه خط حرکت را اتخاذتواند نمود. آیا باید با جریان به خیال ضدیت و مخالفت افتاده مانند يك ذره بمقدار از میان برداشته و مضمحل شود، یا اینکه در استقامت طبیعی آن جریان براه افتاده و وارد سرمزل مقصود شود.

مرکزیت و تشکیلات

هر گاه موفقیت و کامیابی مطلوب است، هر گاه خواسته شود که اقدامات و عملیات شروع شده با يك جریان صحیح منجر بنتایج مفیده شوند، باید در کلیه امور يك نوع مرکزیت را در نظر گرفته طوری کار کرد که مساعی متفرقه، جمعاً در گرد يك اساس مشترك تمرکز پیدا نماید. با این ترتیب و رویه يك اقتصاد و صرفه جوئی بزرگ در همه چیز منظور گشته از ضایع شدن مجاهدات منفرد و جدا گانه جلوگیری بعمل خواهد آمد. انتظام و صحت تشکیلات يك فرقه میتواند يك دلیل کافی تشکیل بدهد بر اینکه همان فرقه قادر است همان انتظام را حتی الامکان در مملکت نیز بوجود بیاورد.

تبری از خود اندیشی

در مواقع مهمه باید مسائل عادی را فراموش کرد، اساس کار و منافع عموم را در نظر گرفت. از خود اندیشی تبری و اجتناب نمود. باید فقط خیال و اندیشه صلاح عموم را بدل خود راه داد.

حق و غلبه

جانی که در راه حق فدا میشود،

تعقیب میکند و با تلاشهای مذبحخانه خود برای حفظ این پیمان - میکوشد دول امپریالیستی را در نزاع مصنوعی اش با دولت جمهوری متحده عربی به پشتیبانی بیش از پیش از خود وارد سازد.

پیمان عمران منطقه ای
نمودار تازه ای از بحران سنتو

مذاکرات تابستان سال ۱۳۴۳ در استانبول و عقد پیمان عمران منطقه ای میان سه دولت ترکیه - ایران - پاکستان نشان داد که پیمان سنتو اعتبار خود را بکلی از دست داده است، اعضای این پیمان با توجه به تأثیرات منفی هم پیمانی با امپریالیستها در نظر گرفته اند بروی سیاست خود پوشش تازه بکشند تا هم تبعیت آشکار خود را از امپریالیسم مستور دارند و هم برای تثبیت وضع اقتصادی و سیاسی خود چاره تازه ای بیاندیشند و هم احتمالاً دولتهای امپریالیستی را به بر آوردن برخی توقعات خود وادار سازند. از طرف دیگر پیمان عمران منطقه ای را میتوان تلاشی دانست که امپریالیستها بدست محمدرضا شاه و سایرین برای کشاندن کشور هائی نظیر عراق و اچانا افغانستان و غیره باین پیمان نو ساخته بعمل میآورند.

مردم ایران خواستار اتخاذسیاست بیطرفی مثبت هستند

شرکت ایران در پیمانهای تجاوزکار

ممکن نیست مغلوبش ساخت.

خطر غرور

غرور و اشتباه که همیشه از نخستین موفقیتها بوجود میاید بزرگترین عامل لالاکت و گمراهی و بالاخره مؤثرترین علت عدم ثبوت و مغلوبیت است.

غرض رانی و نفسانیت

برای اینکه بتوانیم کاری را که

گرفته ایم از پیش بریم نیاز بصمیمیتد باید غرض رانی و نفسانیت را ترک گوئیم

دو نوع دیسیپلین

دیسیپلین اجباری، دیسیپلین جبر و شد زور و فشار پایدار نیست. ولی دیسیپلین وجدانی که ارواح را زیر اطاعت می آورد فنا ناپذیر و لایموت است.

اتحاد آزادخواهان

اتحاد آزادخواهان، علاقه و محبت آنان بهم، ضامن آزادی و استقلال ایران خواهد شد.

بقیه از صفحه ۶

مسئله آلمان

است. کارشناسان جمهوری دموکراتیک آلمان میتوانند در تجدید ساختمان کشور ما نقش مؤثری برعهده گیرند. میان دو ملت ایران و آلمان سابق دوستی طولانی وجود دارد. نمایندگان جمهوری دموکراتیک آلمان میتوانند پایه مناسبی نویسی را که مبتنی بر دوستی متقابل، همکاری و تعاون مشترك است، بنیان نهند. جمهوری دموکراتیک آلمان برخلاف آلمان غربی در کشور ما منافع استعماری ندارد، قصد تسلط بر سازمانهای اقتصادی و سیاسی ما را ندارد، ما میتوانیم با این کشور بهترین مناسبت دوستانه را داشته باشیم.

صرف نظر از عواقب وخیم، گریز روابط کشور ما را با کشورهای همسایه و اکنون بیژنه با کشورهای عربی تیره کرده است. شاه با سیاست ضد ملی خود روز بروز افکار جامعه کشورهای عربی را بیشتر علیه ایران بر میاگزید.

اکنون که بیش از دهسال از شرکت در این پیمانهای امپریالیستی میگذرد برای مردم ایران کاملاً روشن شده است که بر خلاف دعاوی رژیم شاه هم پیمانی با نیروهای امپریالیستی نه تنها به استقلال و حاکمیت ملی ایران کمک نمیکند بلکه این پیمانها خود بزرگترین خطر را برای استقلال و حاکمیت کشور ایجاد کرده است. هر سالی که از شرکت ایران در این پیمانهای شوم بیشتر میگذرد تأثیرات سوء آن در شئون مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور ما شدیدتر میگردد. مهن ما بر ستاخن عمیقی در کلیه شئون حیاتی نیازمند است ولی سیاست ضد ملی رژیم موجود و شرکت در پیمانهای نظامی تجاوزکار از موانع اساسی در راه تحقق این آرمان ملی است. خروج از این پیمانها و اتخاذ سیاست بیطرفی مثبت یکی از شرایط اساسی تحقق این آرمان خواهد بود. مبارزه متحد و یکپارچه در این راه وظیفه و فریضه ملی هر عنصر وطنخواه است.

پ. پیکار

۲ تیر ۱۲۸۷

مجد علیشاه بر ضد مجلس شورای ملی و قانون اسی برخاست. مجلس به توپ بسته شد و جمعی سران مشروطیت بشهادت رسیدند.

۹ تیر ۱۲۹۹

تشکیل حکومت خیابانی در تبریز. شیخ محمد خیابانی، انقلابی و متفکر بزرگ یوز لیه قرارداد اسارت آور ۱۹۱۹ وثوق الدوله کرده بود حکومت خود را در تبریز تشکیل داد. ارتجاع ایران از اشتباهات نهضت خیابانی استفاده کرد و بدان حمله ور گردید. قسوانی که انبروهای ارتجاع در این حمله از خود نشان دادند تیسابقه بود. ملك الشعراء بهار در ابراز نفرت به کشتار تبریز شعری سروده است که ترجمه بند آن این است:

گر خون خیابانی مظلوم بجوشد سرتاسر ایران کفن سرخ پیوشد

۷ تیر ۱۲۸۷

روز آغاز قیام تبریز. پس از آنکه محمد علیشاه پادشاه مستبد قاجار مجلس شورا را به توپ بست و عده ای از سران مشروطه را بشهادت رساند، شهر تبریز بفرماندهی ستارخان پیاختاست و بعد از يك مقاومت درخشان نیروهای استبداد را نخست از حوالی تبریز متواری کرد و سپس بهمراه سایر نیروهای انقلاب، تهران را گشود.

۱۵ تیر ۱۳۳۶

رفیق شهید خسرو روز به پس از يك نبرد واقعیت و سفسطه

درباره کمک اتحاد شوروی بجمهوری ویتنام چنانکه میدانم سفسطه های غرض آلودی میشود حاکی از آنکه گویا شوروی به تعهدات بین المللی و انقلابی خود در مورد نهضت رهایی بخش ویت نام جنوبی وفا نمیکند. بهترین پاسخ باینقتیل سفسطه ها که هدف آن روشن است، از طرف رفیق هوشی-مین پیشوای حزب زحمتکش ویتنام و رفیق نکونگن حن نو توخو صدر هیئت رئیسه جبهه رهایی بخش ملی ویتنام جنوبی داده شده است. رفیق هوشی مین در مصاحبه خود با مخابرات پراروا در ۱۹ ژوئن ۱۹۶۵ چنین گفت:

«دولت و مردم ویت نام تشکرات عمیق خود را به حزب و دولت و خلق اتحاد شوروی برای همبستگی و کمک آنها و پشتیبانی آنها از مبارزه ما ابراز میدارند. ما کلبه مساعی خود را برای تقویت این دوستی برادرانه و همکاری این کشورهای پیمان بکار خواهیم برد و نیک میدانیم که این مساعی برای نیل به پیروزی نهائی دارای اهمیت فراوانی است.»

رفیق نکونگن حن نو توخو در نامه ای خطاب به برژنف، میکویان و کاسیگین که در ۲۴ ژوئن ۱۹۶۵ در روزنامه پراروا چاپ شده مینویسد:

«افتخار دارم بشما، حزب و دولت و خلق پرادر شوروی، سیاستگزاری صمیمانه را بمناسبت پشتیبانی فعال از نبرد مهن پرستانه و عادلانه ما علیه تجاوز امپریالیستی و چاکرانان، برای رهایی ویت نام جنوبی و پیشرفت بسوی وحدت مسالمت آمیز کشور بیان دارم... بیکبار دیگر اجازه دهید محشمناسی صمیمانه خلق چهارده میلیونی ویت نام جنوبی را بشما، به حیزب و دولت و خلق شوروی بیان دارم.»

تقویم مردم

تیر ماه

یکساعته بدست مأموران سازمان امنیت شاه دستگیر شد.

۲۲ تیر ۱۳۴۳

رفیق شهید ستوان قبادی یکی از افسران عضو حزب توده ایران بدست دژخیمان شاه تیر باران شد. ستوان قبادی بنا به اطمینانهای مکرر سفارت ایران و بعلت باور باین اطمینانهای محیلا نه از مهاجرت بایران رفت و چون پس از مهاجرت نخواسات آلت دست رژیم شاه قرار گیرد در دادگاه نظامی محاکمه و اعدام شد.

۲۳ تیر ۱۳۳۰

هریمن مشاور مخصوص ترومن رئیس جمهور امریکا برای باصلاح حل مسئله نفت بایران آمد. مردم تهران نمایش عظیمی برای اعتراض بورود هریمن دلال نفت ترتیب دادند. این نمایش مطهری از مبارزه ضد استعماری ملت ایران بود. نیروهای انتظامی دولت به تظاهرات مسالمت آمیز مردم حمله بردند و تظاهرات عظیم مردم تهران را بخون کشیدند.

۲۳ تیر ۱۳۲۵

در این روز ۸۰ هزار کارگر مناطق نفت خیز خوزستان و مؤسسات کمپانی سابق دست باغصاب زدند. کارگران نفت عزل استاندار مودر خوزستان

۲۸ تیر ۱۲۹۹

کوچک خان که نماینده منافع تجار و مالکین کوچک و متوسط بود، با بسط و توسعه انقلاب و انجام اصلاحات ارضی مخالفت میکرد. او درخفا با نمایندگان حکومت مرکزی وارد مذاکره شد، بعملیات جنگی خاتمه داد، از دولت موقت انقلابی بیرون آمد و با دستجات خود بجنگل قومن رفت.

۳۰ تیر ۱۳۳۱

در این روز تمام مردم ضد استعمار ایران

قطع نظر از اختلافات مسلکی، بقصد واژگون کردن دولت قوام و علیه مداخلات غیر قانونی شاه دوش بدوش هم بیدان آمدند. کشتاری که در همه جا مجمله در تهران از مردم از جان گذشته شد از سیاهترین صفحات تاریخ سلطنت محمد رضا شاه است. اما شرکت متحد و مشترک تمام محافل ضد استعماری و ملی در این نبرد و پیوستن عده ای از افسران آزادخواه به مردم، شاه سیاهکار را ناگزیر بعقب نشینی نمود، دولت قوام السلطنه سقوط کرد و دکتر مصدق مجدداً بر سرکار آمد.

۱۲۹۷ تیر

انگلیسها رشت و انزلی را اشغال کردند. شوراها ی محلی را منحل ساختند و رهبران آنها را به هند تبعید نمودند.

۱۳۰۰ تیر

آغاز قیام کلنل محمد تقی خان.

کلنل محمد تقی خان یکی از محبوبترین مبارزان ملی است. وی علیه قرارداد اسارت آور ۱۹۱۹ و بخاطر استقلال مهن و آزادی ملتش قیام کرد، اما بفرمان استعمار طلبان، بدست دولت قوام السلطنه شهید شد.

۱۳۲۲ تیر

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران آغاز فعالیت نمود و طی زمان کوتاهی موفق شد هزاران زن را در سراسر کشور در مبارزه برای کسب حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خویش متشکل کند. تشکیلات دموکراتیک زنان نقش عمده ای در بیداری زنان ایران و جلب آنان بمبارزه ایفا نموده است.

رویدادها و تفسیرها

و شروع کردند کار خود را قطع نمایند و... تأسیسات خود را به مردم بفروشد. پیشنهاده عجیبی است که فقط میتواند در خورد فهم مردمی، از نوع رئیس اطاق بازگانی تهران باشد. دولت باید بحساب مردم ایران بحساب يك مشت مردم لغت و عور و مریض سرمایه گذاری کند و کارخانه بسازد. اکثر کارخانه تروانت دشواریها و زبانهای اولیه را بحساب این مردم متحمل شده و پس از مدتی سودآور گردد و موجب رغبت مردمی، از نوع دیگر شود. در اینصورت دولت باید آتزا به ثمن بخش باین مردم، بفروشد تا آنان باینبالتیق جیب خود بپردازند و اگر هم خلاف آن ملاحظه شود زبانهای وارده را بحساب توده مردم متقبل شود. خلاصه، آقای خیروشاهی خواهان «ریسک» برفع مردمی از نوع خود و بزبان مردم دیگری از نوع اکثریت قاطع اهالی ایران هستند. و آشکارا باید گفت که در این تمایل خود بر بیحق نیستند، زیرا تمایل ایشان توافق کامل با سیاست رژیم دارد که میخواهد باین طریق فکر مردم را بمرم و اگذار کند!

اعتزافات خال: وام گیران در مرداب

وام فرو می روند

آقای امیر عباس هویدا زبانیکه وزیر دارائی بود و ریاست هیئت نمایندگان ایران را در مجمع صندوق بین المللی پول بعهده داشت، در این مجمع اظهار داشت: «قرض های خارجی کشور های در حال توسعه تحت شرایط موجود بقدری سنگین شده که اکنون این کشورها فقط بایستی هر ساله ۵ میلیارد دلار بابت استقراضات سال های گذشته بپردازند. این رقم تقریباً برابر بمقدار است که این کشورها بصورت قرضه های جدید دریافت داشته اند. در گزارش اخیر هیئت عامل بانک مرکزی به مجمع عمومی بانک نیز ضمن اشاره به افزایش قیمت کالا های وارده از کشورهای امپریالیستی و تنزل بهای کالا های صادراتی ایران گفته میشود، نزدیک همان مقدار که بعنوان وام و سرمایه گذاری به ممالک در حال رشد منتقل شده بها

بارها در بیانات رجال رسمی حزب و دولت شوروی و مطبوعات شوروی با صراحت تمام آمادگی اتحاد شوروی برای پشتیبانی از مبارزات رهایی بخش خلقها تصریح شده است. میتوان بعنوان یکی از تازه ترین اسناد در این زمینه از مقاله شرح هیئت تحریریه تحت عنوان «اتحاد شوروی و مبارزه رهایی بخش» که در ۱۸ ژوئن ۱۹۶۵ در روزنامه پراروا درج شده بود، یاد کرد. از جمله در این مقاله چنین مینویسم: «اتحاد شوروی هوادار استفاده از کلیه اشکال مبارزه برای رهایی ملی است. حق خلقها برای آزادی و استقلال که خواه بشیوه مسالمت آمیز و خواه از طریق مبارزه مسلح استقرار مییابد، مقدس است. اتحاد شوروی کمک همه جانبه به خلقهایی که سلاح در دست علیه امپریالیسم و استعمار مبارزه میکنند مبذول میدارد...»

ریسک، ولی بحساب کی؟

اکنون که پس از چند سال بنظر میرسد از شدت بحران و رکود اقتصادی سالهای اخیر کمابیش کاسته شده و برای کسانیکه در سالهای «دورنمانی» خود را بحساب مردم انباشته بودند بار دیگر «دورنمانی» بوجود میآید، جنب و جوش خاصی در محافل اقتصادی کشور مشاهده میشود. مصاحبه آقای محمد خسروشاهی رئیس اطاق بازگانی تهران یکی از نشانه های این جنب و جوش است. وی در مصاحبه مطبوعاتی خود ضمن تشویق دولت بنشر اسکناس، افزایش اعتبارات و توسعه صنعت ساختمان، و در درجه اول توسعه راهسازی - آن عوامل عمده ای که باعث شدت و عمق بحران بودند، دولت را بسرمایه گذاری نیز ترغیب مینماید. منتها سرمایه گذاری برای آقای خسروشاهی مفهوم خاصی دارد. وی مینویسد: «دولت باید پیشقدم شود... در کشور های در حال توسعه مثل کشور ما قدم اولی (ریسک) سهم دولت است. دولت باید اول در هر رشته که احتیاج کشور است سرمایه گذاری کند و همینکه مردم (کدام مردم!) راغب شدند

نماساعد شدن شرایط مبادله بازرگانی از این کشورها خارج شده است. اینهاحقایقی است که درمجامع بین المللی مانند کنفرانس کافه آ، کنفرانس ژنو، مجمع صندوق بین المللی پول و غیره از طرف محافل اقتصادی کشور های در حال رشد بارها تکرار شده است. حتی خانم بار بارا کاسل وزیر پیشرفت کشور های ماوراء بغار انگلستان نیز شرایطی را که در آن کشور های فقیر برای آن که وام خود را بپردازند باید بیش از پیش وام بگیرند، بی معنا میخواند و مسئله وام بی بهره، را مطرح مینماید. بدیهی است که نگرانی محافل انحصاری از این بابت نیست که اقتصاد کشور های در حال توسعه در نتیجه کمک، های آنان بچنین وضع فلاکت باری دچار شده است بلکه نگرانی آنها از اینجهت است که امور مالی کشور های در حال توسعه دچار چنان وضعی شده است که آنها دیگر قادر نیستند زیر بار شرایط کمربستگ کمک، های دول امپریالیستی بروند. اعطای وام و کمک، های بلاعوض مزایای زیادی برای کشور های امپریالیستی در بر دارد. اینگونه وامها و کمک، ها نه تنها کشور های در حال توسعه را در حال حاضر وابسته امپریالیسم مینماید بلکه وابستگی آنها را در آینده نیز تضمین مینماید. اینگونه کمک، ها بکشور های امپریالیستی امکان میدهد که کالا های بجز و وارده خود را در کشور های وام گیرنده براحتی آب کنند، بعلاوه این کمک، ها باعث میشود که علاوه بر منافع حاصله از فروش کالا های خود بقیمت گران، خرید کالا های صادراتی کشور های در حال توسعه بقیمت ارزانی، منافع دیگری از طریق اخذ بهره وامها بدست آورند. باین ترتیب دول امپریالیستی بر نتیجه کمک، های خود با يك تیر چند نشان میزنند. ولی اکنون شرایط سنگین اینگونه کمک، ها از طرفی و تسهیلات فراوانی که کشور های سوسیالیستی در کمک های خود بکشور های در حال توسعه فراهم بقیه در صفحه ۵